

نسبتاً مساعد نیست، لهذا تعداد ساکنین آنها نیز کم است. در قارهٔ افریقا صحرای کبیر، حوزهٔ کانگو و دشت کالاهاری مناطق نامساعد گفته میشوند که ساکنین کمتر دارند. همچنان مناطق مرکزی استرالیا بنابر موجودیت دشتهای وسیع، منطقهٔ نامساعد را به حیات انسانها تشکیل داده است.

۳- هایدروسفر:

تقریباً ۷۱ فیصد مساحت زمین را آب احتوا کرده که (۲۶۱۵) میلیون کیلومترمربع مساحت دارد که از آن جمله مساحت بحرالکاهل (۱۸۰) میلیون کیلومتر مربع، مساحت بحراتلس و بحرمنجمدشمالی (۱۰۶۵) میلیون کیلومتر مربع و مساحت بحرهند (۷۵) میلیون کیلومتر مربع میباشد.

اگر به نقشهٔ جغرافیایی جهان نظر اندازی کنیم، دیده میشود که قسمت بیشتر خشکهٔ جهان در نیم

کره شمالی موقعیت دارد و برعکس مقدار آب در نیم
کره جنوبی نسبت به نیم کره شمالی بیشتر است. آب
در اقلیم يك منطقه اهمیت به سزا دارد.

میدانیم که خشکه زودتر گرم و زودتر سرد
میگردد به مقایسه آن آب دیرتر گرم و دیرتر سرد
میشود. وقتیکه در روز خشکه گرم شود، باد از سوی
بحر به طرف خشکه میوزد. برعکس در هنگام شب
که خشکه زودتر سرد میشود، باد از خشکه به طرف
بحر میوزد.

همچنان در فصل تابستان که خشکه زودتر گرم
میشود، باد از بحر به سوی خشکه میوزد و اقلیم
مناطق ساحلی را از گرم شدن زیاد نجات میدهد.
بنابر همین علت است که بارانهای مونسونی در جنوب
شرق آسیا و نیم قاره هند در فصل تابستان صورت
میگیرد. در زمستان خشکه آسیای مرکزی زودتر

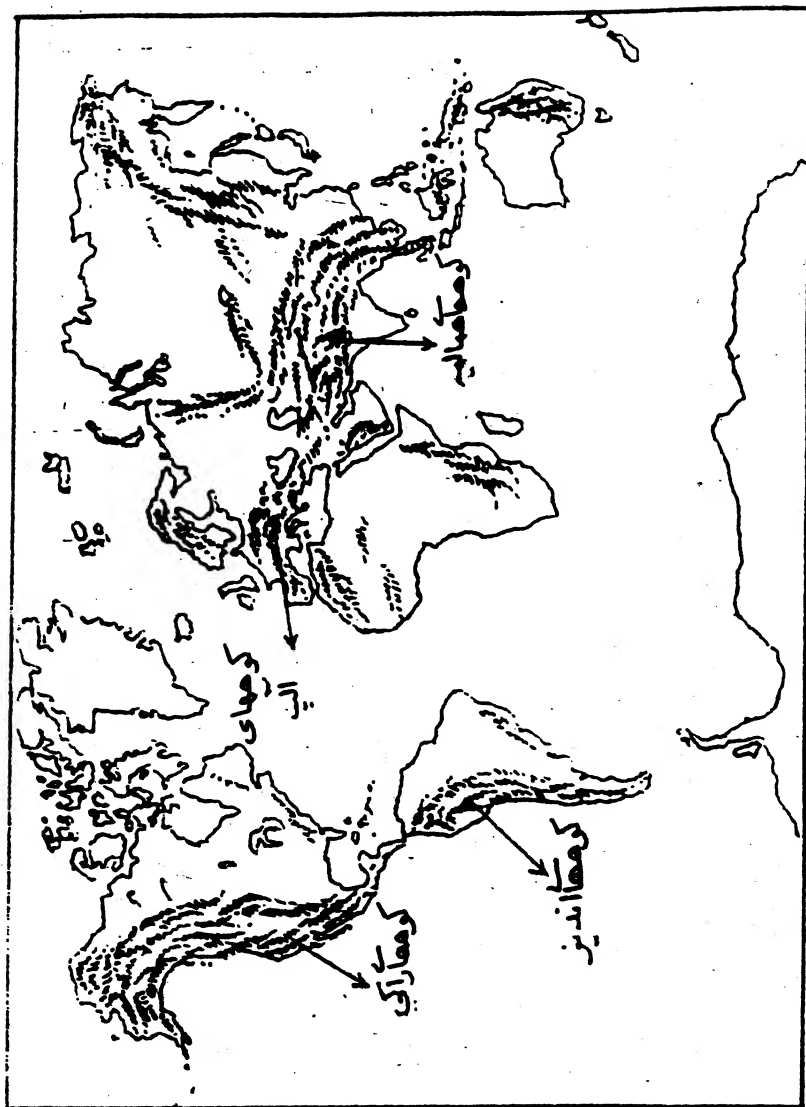
سرد میشود، بنابراین باد از سمت خشکه به سوی بحر میوزد. بارنده گی زمستانی این مناطق تحت تأثیر بخرهند قرار نمیگیرد؛ زیرا که باد از بحر به سوی نیم قاره هند به حرکت نمی آید که باعث بارنده گی شود.

جریانات بحری نیز در اقلیم يك منطقه اثر میگذارد. آبی که در جوار خط استوا موقعیت داشته باشد، آب گرم میباشد. وقتی که همین آب گرم به طرف قطب شمال و جنوب در بحر حرکت کند، به نام جریانات گرم بحری یاد میشود. جریانات گرم بحری که از نواحی استوا مخصوصاً خلیج مکزیکو آغاز و به سوی آیسلیند و کشورهای سکنندوی جریان دارد، از سردی اقلیم کشورهای اروپای شمالی به شمول آیسلیند میکاهد، این جریانات بحری به نام گلف ستریم یاد میشود.

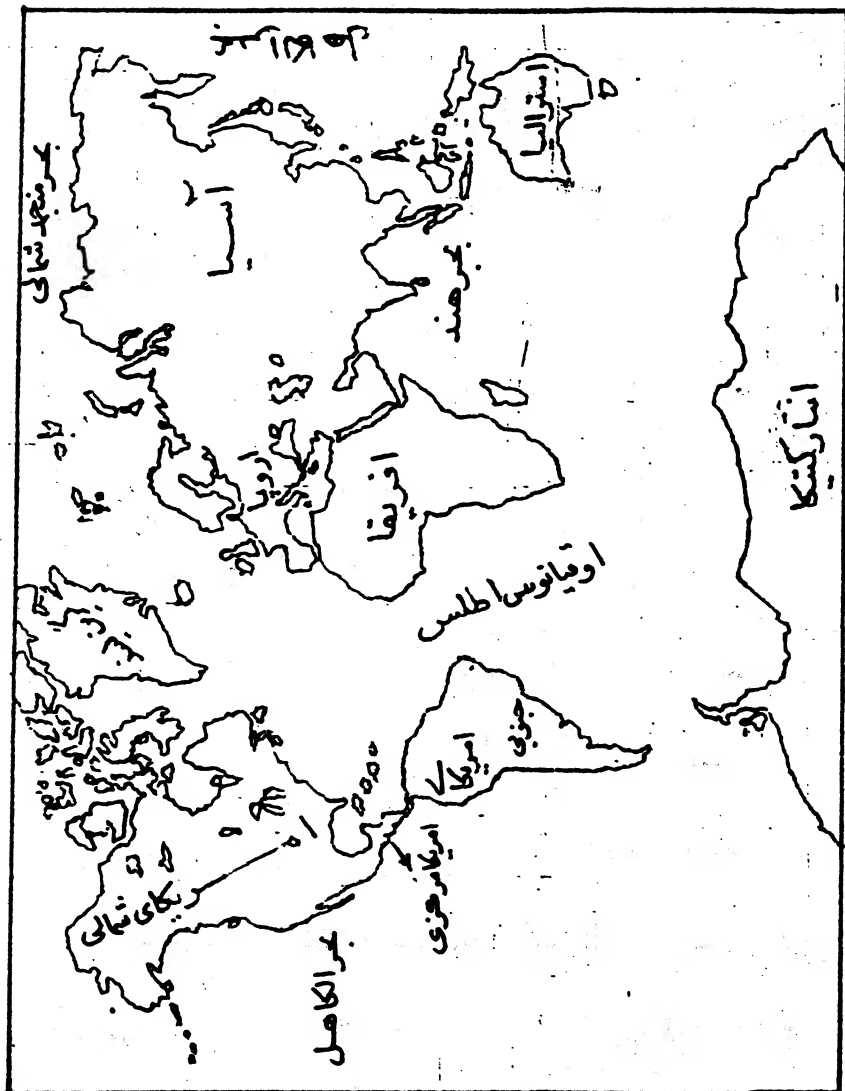
همچنان جریانات سرد بحری که از آب سرد قطب
شمال و قطب جنوب آغاز میشود و مناطق غربی قاره
افریقا را تحت تأثیر قرار میدهد، به نام جریانات
سرد بحری یاد میگردد.

چون درصنف پنجم قاره آسیا، معرفی شده است،
بنابرآن درصنف ششم قاره های دیگر جهان را مورد
مطالعه قرار میدهیم.

نقشه طبیعی جهان



نقشه سیاسی جهان



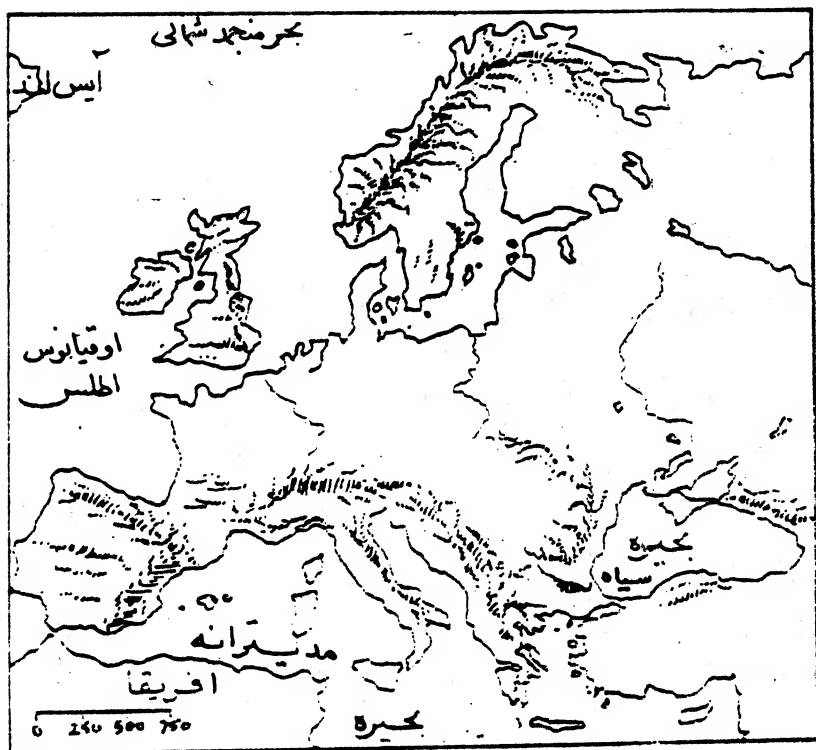
اروپا

اروپا درحقیقت شبه جزیره قاره آسیا است که در غرب آن امتداد یافته در بحر ایتلس پیش رفته است. قاره های آسیا و اروپا را به نام یوریشیا نامیده اند. اروپا ریشه خیلی باستانی داشته و از کلمه ایرب منشأ میگیرد که معنی آن سرزمین آفتاب نشست میباشد.

اروپا بعد از استرالیا، کوچکترین قاره دنیا میباشد که مساحت آن به ۱۰ میلیون کیلومتر مربع میرسد و نفوس آن بدون روسیه (۵۰۷) میلیون نفر میباشد. گرچه این براعظم از نظر مساحت کوچک و نفوس آن قلیل است؛ اما هریخش آن مانند اروپای شمالی، اروپای شرقی، اروپای جنوبی و اروپای غربی انکشاف

زیاد نموده است. حتی اجزای کوچک آن که شامل
ممالك اروپایی میشوند از شهرت و اعتبار جهانی
برخوردار اند.

نقشه طبیعی اروپا



حدود اربعه:

طرف شمال براعظم اروپا، بحر منجمد شمالی،
طرف جنوب آن بحیره مدیترانه، طرف شرق آن
کوههای اورال، دریای اورال، بحیره کسپین، بحیره
سیاه، آبناهای باسفورس و دردانیل، بحیره مارمورا و
بحیره ایجین و طرف غرب آن اوقیانوس اطلس
موقعیت دارد.

کوهها:

به صورت عمومی اکثر قسمتهای براعظم اروپا
کوهستانی میباشد که این کوهها عموماً در قسمتهای
شمال و جنوب اروپا موقعیت دارند. یکی از جمله
مشهورترین کوههای اروپا، کوه آلپ نامیده میشود که
بیشتر در کشورهای سویس، اتریش، در قسمت
شرقی فرانسه و ایتالیا واقع شده که شاخه های آن به
هرگوشه و کنار اروپا امتداد یافته و در آنجاها به

نامهای مختلف یاد میشوند، چنانچه در ایتالیا به نام
اپی نین، در فرانسه به نام وزج در آلمان به نام
کوههای جنگل سیاه، در یوگوسلاویای سابق به نام
دیناریک، در یونان به نام پندوس، در چک و سلواک
به نام کارپات و در اسپانیا به نام پیرنه یاد میشوند.
بلندترین قله آن به نام مونت بلان یاد میشود که
در حدود (۴۸۹۰) متر بلندی دارد. علاوه بر آن
کوههای اورال حد فاصل بین آسیا و اروپا تشکیل
میدهد.

دریاهای:

چون در اروپا باران به اندازه کافی میبارد و از آب
آن دریاهای متعددی سرچشمه میگیرند. منبع
اکثریت دریاهای اروپای شرقی در غرب روسیه و
سرچشمه بیشتر دریاهای اروپای مرکزی و جنوبی در
رشته کوههای آلپ قرار دارد. به علت این که وسعت

حضرت عبدالله بن زبیر گفت: اگر مکمل کردم سه صد هزار درهم را از نزدت خواهم گرفت.

امیر معاویه (رض) فرمود: درست است و چنین کرد. قسمی که قبلاً نیز تذکار یافت در دوران بیست سال خلافت امیر معاویه (رض) فتوحات زیاد صورت گرفته است. حضرت معاویه (رض) شخص با حوصله و دارای سلوک نیک بود. مخالفین خود را با اعطای انعامات راضی مینمود. درقسمت آسایش زنده گی مردم خدمات زیادی را انجام داده است. برای آبیاری زمینها، انهار و حوضهای زیادی اعمار کرد. ارتباطات پوستی منظم را به میان آورد.

بالاخره، حضرت معاویه (رض) درماه جمادی الثانی سال (۶۰ هـ) مریض شد و در تاریخ اول ماه رجب همان سال فوت کرد. به صورت عمومی نواقص دوره معاویه به حیث يك سلطان به مقایسه کارهای نيك او

ممالك اروپایی کم است، بناءً قبل از این که این
دریاها مثل دریا‌های آسیا باهم وصل شوند، به بحر
یا بحیره میریزند.

دریای والگا: این دریا از طویلترین دریا‌های
اروپا میباشد که از فلات والدایی سرچشمه میگیرد.
طول آن (۲۶۹۰) کیلومتر بوده بعد از عبور از خاک
روسیه به بحیره کسپین میریزد.

دریای دنیوب: این دریا از کوه‌های آلپ سرچشمه
میگیرد و طول آن (۳۸۵۰) کیلومتر میباشد، بعد از
عبور از خاک آلمان داخل اتریش میشود. دریای
دنیوب پس از آبیاری مناطقی که در خط السیر آن
قرار دارند، در خاک رومانیا به بحیره سیاه میریزد.

دریای سن: از دامنه های غربی کوه‌های فرانسه
سرچشمه گرفته، بعد از آبیاری حوزه پاریس (مركز
فرانسه) به بحیره مانش میریزد و طول آن (۷۷۶)

کیلومتر میباشد.

دریای تایمز: این دریا از تپه ها و نواحی جنوب غربی بریتانیا سرچشمه میگیرد و طول آن (۲۲۸) کیلومتر میباشد. دریای تایمز از جمله مشهورترین دریاهاى انگلستان به شمار میرود و بعد از عبور از شهر لندن در خلیج تایمز میریزد.

دریای واین: این دریا از کوههای سویس سرچشمه میگیرد و بعد از آبیاری قسمتی از فرانسه به هالیند داخل میشود و سرانجام به بحیره شمال میریزد. دریای نیکر از معاونین مشهور آن میباشد. همچنان در اروپا، دریاهاى دیگر نیز وجود دارند که مشهورترین شان، دنیپر، دون، پچورا، الپ، لوار و اودر میباشد.

خلیجها: خلیجهای قاره اروپا قرار ذیل اند:

۱- خلیج بوتنی واقع در شرق سویدن

۲- خلیج فنلیند واقع در جنوب فنلیند.

۳- خلیج لیون واقع در جنوب شرق فرانسه.

۴- خلیج بسکی واقع در غرب فرانسه.

جزایر: جزایر اروپا عبارت اند از: جزیره ایسلند، در شمال غرب اروپا در بحر اطللس، جزایر آیرلیند و برتانیه در شمال غرب اروپا در بحر اطللس، جزایر ساردینا، کرت، کارسیکا و قبرس در بحیره مدیترانه واقع میباشند.

جزیره نما: جزیره نما های قاره اروپا عبارت اند از: جزیره نمای سکندنوی (ناروی و سویدن) در شمال اروپا، جزیره نمای جتلیند در کشور دنمارک، جزیره نمای ایبری (هسپانیه و پرتغال) در بحر اطللس، جزیره نمای بالکان که شامل کشورهای یونان، البانیه، بلغاریه، یوگوسلاویا و ترکیه اروپایی است، در بحیره مدیترانه و همچنان جزیره نمای

کریمیا در بحیره سیاه موقعیت دارند.

مجمع الجزایر: مهمترین مجمع الجزایر قاره اروپا قرار ذیل میباشند: مجمع الجزایر هبرید در شمال غرب بریتانیه در بحر اطلس، مجمع الجزایر ارکنی در شمال بریتانیه در بحر اطلس، مجمع الجزایر یونان در بحیره مدیترانه و مجمع الجزایر شتلاند در شمال بریتانیه موقعیت دارند.

اقلیم: براعظم اروپا به صورت عمومی دارای اقلیم بحری و مرطوب میباشد. آب و هوای مناطق شمال این قاره سرد است در حالیکه اقلیم مناطق غربی و شمال غربی آن معتدل میباشد، آب و هوای مناطق جنوبی این براعظم مدیترانه یی گفته میشود.

چون قاره اروپا از سه طرف (شمال، جنوب و غرب) توسط آب احاطه شده است، لذا در فصل تابستان هوای آن بسیار گرم و در فصل زمستان زیاد سرد

نمیشود. جریانات گرم بحری که به نام گلف ستریم
یاد میگردد، از نواحی غربی قاره اروپا عبور میکند،
بنابر آن اقلیم ساحل غربی را تحت تأثیر قرار داده و
هوای مناطقی که باید عمدتاً سرد میبود، آن را
نسبتاً گرم میسازد و تاحدودی از سرمای زمستان
میکاهد.

نفوس: قاره اروپا از لحاظ مساحت بعد از
اوقیانوسیه کوچکترین براعظم جهان محسوب میشود.
در حالیکه از نگاه نفوس با داشتن (۵۰۷) میلیون نفر
در سال (۱۹۹۷ م) بعد از قاره های آسیا، امریکا و
افریقا چهارمین قاره جهان به شمار میرود و به این
حساب یازدهمین بخش نفوس جهان را دربر میگیرد.
برخلاف خشکه های دیگر جهان، نفوس در تمام
قاره اروپا تقریباً به صورت يك سان توزیع گردیده
است. زمینهای زراعتی و حاصلخیز زمینه را برای

انکشاف صنعت فراهم ساخته که هریخش ویا هرکشور
آن حتی اگر کوچک هم باشد از لحاظ انکشاف صنعت
از امتیاز و شهرت فراوان برخوردار میباشد.

نژاد: اکثریت ساکنین قاره اروپا به نژاد سفید
مربوط میباشد که این نژاد سفید به سه شاخه تقسیم
گردیده است و به نامهای لاتین، جرمن و سلو یاد
میشوند. شاخه لاتین در اروپایی جنوبی، شاخه
جرمن در اروپایی شمالی و شاخه سلو در شرق این
براعظم مسکن گزین میباشند.

مذهب: اکثریت ساکنین قاره اروپا پیرو دین
عیسوی میباشند که از آن جمله پیروان کاتولیک به
درجه اول و در اروپای لاتین به درجه دوم در اروپای
شرقی بودوباش دارند. مناطقی که در آن جا نژاد
جرمن متوطن گردیده اند، اکثریت شان پیرو مذهب
پروتستانت اند. همچنان در این قاره پیروان مذهب

آرتودوکس نیز وجود دارد که در اروپای شرقی و جنوب شرقی زنده گی میکنند. علاوه بر آن در کشورهای مختلف قاره اروپا يك تعداد مسلمانها و پیروان مذاهب دیگر نیز وجود دارند.

زبان: در قاره اروپا مردم به زبانهای مختلف تکلم میکنند که از آن جمله انگلیسی، روسی، جرمنی، فرانسوی، ایتالیایی و هسپانوی از زبانهای مهم این قاره، به شمار میرود. علاوه بر لسانهای ملی، مردم این قاره به زبانهای عمده دیگر نیز صحبت میکنند.

بنادر: قاره اروپا مثل براعظماي آسیا، امریکا و افریقا دشت ندارد؛ اما از لحاظ مساحت نظر به آنها کوچکتر است، لکن خاک آن بسیار حاصلخیز میباشد. آب و هوای آن نسبت به قاره های دیگر برای فعالیت انسانها مساعدتر است. انقلاب صنعتی بار اول با اختراع ماشین بخار در این براعظم آغاز شد و به

تعقیب آن به قاره های دیگر جهان راه یافت.

دراین قاره کثرت نفوس به تناسب اراضی آن زیاد می باشد؛ ولی برعکس براعظهای دیگر نفوس آن به صورت مساوی توزیع گردیده است. چون دراین قاره صنعت انکشاف زیاد نموده، بناءً سطح زنده گی مردم نیز بلند می باشد. مال التجاره از قاره های دیگر جهان به این براعظم به پیمانه وسیع انتقال داده میشود و همچنان ازاین قاره نیز اموال تجارتی به براعظهای دیگر سرازیر میشود. به همین دلیل دراین قاره برای حمل و نقل اشیا و متاع تجارتی، بنادر بسیار زیاد احداث گردیده است که بهترین آنها عبارت انداز: بنادر لندن و لیورپول در انگلستان، امستردم در هالند، ستاکهلم در سویدن، مارسلز در فرانسه، ناپل و وینس در ایتالیا و پترسبورگ در روسیه.

کشورهای براعظم اروپا

به صورت عمومی ممالك اروپایی را به پنج بخش
تقسیم نموده اند که عبارتند از:

کشورهای اروپای شمالی:

شماره	کشور	پایتخت	مساحت به هزار کیلومتر مربع	نفوس به میلیون
۱-	ناروی	اسلو	۲۲۲٫۸۲	۴٫۳۸
۲-	سویدن	ستاکهلم	۴۴۹٫۹۴	۸٫۹
۳-	دنمارك	کوپنهاگن	۴۳٫۰۴	۵٫۲۵
۴-	ایسلند	ریکجاویک	۱۰۲٫۸۲	۲۷۰ هزار
۵-	فنلیند	هلسنکی	۲۳۷٫۰۰	۵٫۱۰

کشورهای اروپای غربی:

شماره	کشور	پایتخت	مساحت به هزار کیلومتر مربع	نفوس به میلیون
۱-	انگلستان	لندن	۲۴۴٫۰۴	۵۸٫۴۹
۲-	فرانسه	پاریس	۵۴۷٫۰۲	۵۸٫۱

۸۲۵۲	۲۵۶۸۰	بن	آلمان	۳-
۱۰۱۷	۲۰۵۱	بروکسل	بلجیم (هلتيك)	۴-
۴۱۶ هزار	۲۵۸	لوکزمبورگ	لوکزمبورگ	۵-
۱۵۵۸	۴۱۱۶	لايه	هاليند (نيدرلند)	۶-
۷۲۰	۴۱۲۹	برن	سويس (سويسرلند)	۷-
۲۱ هزار	۱۶۰	وادوز	لختنسشتاين	۸-
۸۳۰۲	۸۲۸۵۰	ويانا	اتريش (استريا)	۹-
۲۶۷	۷۰۲۸	دبلن	ايرلند	۱۰-

کشورهای اروپای جنوبی:

شماره	کشور	پایتخت	مساحت به هزار کیلومتر مربع	نفوس به میلیون
۱-	هسپانیه	مادرید	۵۰۴۷۸	۲۹۱۸
۲-	پرتگال	لزن	۹۱۶۲	۹۸۶
۳-	اندورا	اندورا	۴۵۲	۷۲ هزار
۴-	البانیا	تیرانا	۲۸۷۴	۲۲۴
۵-	یونان	آتن	۱۲۱۹۲	۱۰۵
۶-	ایتالیا	روم	۲۰۱۲۵	۵۷۴۶
۷-	سان مارینو	سان مارینو	۶۱	۲۵۰ هزار
۸-	واتیکان	واتیکان	۰۴۴	۱۰۰ هزار

کمتر بود و بعداً از دست پسرش یزید کارهایی
سرزد که تاریخ طلایی اسلام را لکه دار ساخت.

یزید بن معاویه (رض)

بعد از وفات حضرت معاویه (رض) پسرش یزید
زمام امور را به دست گرفت. وی شخص خود خواه،
ظالم و نادان بود. اولتر از همه به ولید بن عتبه والی
مدینه حکم کرد که از اهل مدینه برایش بیعت
بگیرد. دراین هنگام تمام سران مسلمانها به شمول
امام حسین (رض) عازم مکه شدند. مردم کوفه حاضر
نشدند که به یزید بیعت بدهند، بنابراین از حضرت
امام حسین (رض) خواهش کردند تا به کوفه بیایند
و بیعت ایشان را قبول نمایند.

امام حسین (رض)، مسلم بن عقیل پسرکاکای خود
را به کوفه فرستاد تا وضع را از نزدیک مطالعه نماید.

کشورهای اروپای شرقی:

شماره	کشور	پایتخت	مساحت به هزار کیلومتر مربع	نفس به میلیون
۱-	چک	پراگ	۷۸٫۸۶	۱۰٫۳۲
۲-	سلواکی	براتسلاوا	۴۸٫۴۶	۵٫۳۷
۳-	یوگوسلاوی	بلگراد	۱۰۰٫۹۸	۱۱٫۱۰
۴-	کروشی	زاکرب	۵۵٫۸۸	۵
۵-	سلونی	لوبلیانا	۲۰٫۰۲	۱٫۹۵
۶-	بوسنی	سارایوو	۵۰٫۴۸	۲٫۶۵
۷-	مقدونی	سکوپیه	۲۵٫۴۱	۲٫۱۰
۸-	رومانی	بخارست	۲۳۴٫۷۴	۲۱٫۶۵
۹-	بلغاری (بلغارستان)	صوفیه	۱۱۰٫۹۱	۸٫۶۱
۱۰-	لتوانی	ویلینوس	۶۵٫۲۰	۲٫۶۴
۱۱-	لتوی	ریگا	۶۳٫۷۰	۲٫۴۶
۱۲-	استونی	تالین	۶۵٫۱۰	۱٫۵۴
۱۳-	روسیه سفید	منسک	۲۰٫۷۶۰	۱۰٫۴۳
۱۴-	اوکراین	کیف	۶۰۲٫۷۰	۵۰٫۸۶
۱۵-	مولداوی	کیشف	۳۳٫۷۰	۴٫۵
۱۶-	پولیند (لهستان)	وارسا	۳۱۲٫۶۸	۳۸٫۷۹
۱۷-	هنگری (مجارستان)	بوداپست	۹۳٫۰۳	۱۰

۱۸- البانیا

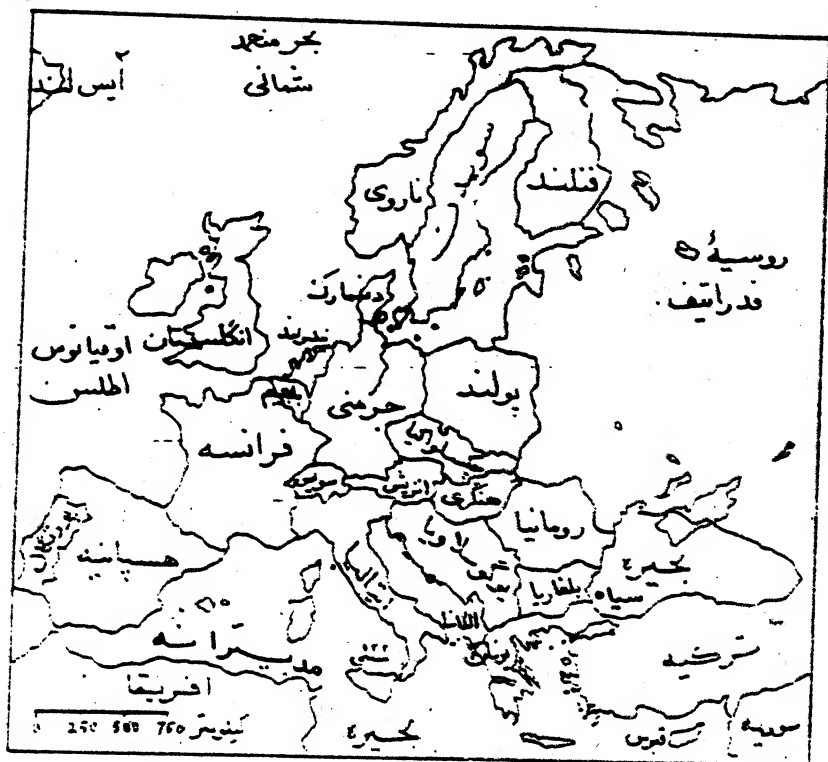
تیرانا

۲۸۷۴

۳۲۴

کشورهایی که در بحیره مدیترانه واقع اند:

شماره	کشور	پایتخت	مساحت به هزار کیلومتر مربع	نفوس به میلیون
۱-	قبرس	نیکوسیا	۹۲۵	۷۴۵ هزار
۲-	مالتا	والیتا	۲۱۵٫۶	۲۷۶ هزار
۳-	موناکو	موناکو	۱٫۹۵	۳۲ هزار



تمرین

- ۱- قاره های اروپا و آسیا را به نام چه یاد میکنند.
- ۲- مساحت قاره اروپا چند کیلومتر مربع است؟
- ۳- حدود اربعه اروپا را نام بگیرید.
- ۴- کوههای مشهور اروپا را نام بگیرید.
- ۵- دریا‌های مشهور اروپا را نام بگیرید.
- ۶- طولیترین دریای اروپا چه نام دارد.
- ۷- مهمترین بحیره های اروپا کدامها اند.
- ۸- جویلهای مشهور اروپا را نام بگیرید.
- ۹- اروپا به چند بخش تقسیم شده، نام بگیرید.
- ۱۰- ممالك مشهور اروپای شمالی را بیان کنید.
- ۱۱- ممالك مشهور اروپای جنوبی کدامها اند.
- ۱۲- ممالك مشهور اروپای شرقی را نام بگیرید.

۱۲- ممالك مشهور اروپای غربی را بیان کنید.

۱۴- ممالك بحیره مدیترانه کدامها اند.

۱۵- بزرگترین مملکت اروپا از نظر نفوس و مساحت

کدامها اند.

فصل چهارم

افریقا

براعظم افریقا از لحاظ وسعت بعد از آسیا و امریکا به درجه سوم قرار میگیرد. خط استوا تقریباً از مرکز این براعظم میگذرد، چون این قاره به دو طرف خط استوا قرار دارد، ازاین سبب اقلیم آن گرم میباشد.

حدود اربعه و وسعت:

طرف شمال افریقا بحیره مدیترانه، طرف جنوب آن اوقیانوس اطلس، طرف شرق آن بحیره احمر و بخرهند و طرف غرب آن اوقیانوس اطلس واقع میباشند. براعظم افریقا از طرف شمال غرب، توسط آبناى جبل الطارق از اروپا و از طرف شمال شرق، توسط کانال سویز از براعظم آسیا جدا میشود. طول البلد

صفر درجه و یا خط گرینویچ نیز در این قاره از کشور
های الجزایر، مالی، ولتای علیا و گانا میگذرد. سواحل
براعظم افریقا شکسته گی زیاد ندارد.

مجموع مساحت قاره افریقا تقریباً (۲۰) میلیون
کیلومتر مربع میباشد. قاره افریقا از لحاظ وسعت
بعد از براعظمهای آسیا و آمریکا به درجه سوم قرار
میگیرد و یا به عبارت دیگر قاره افریقا پنجم حصه
مساحت جهان را تشکیل میدهد.

کوهها:

براعظم افریقا از لحاظ کوهها و برآمده گیها با قاره
های دیگر جهان مقایسه شده نمیتواند؛ زیرا تقریباً
قسمت عمده افریقا از جنگل و صحرا تشکیل گردیده
است. در شمال افریقا کوههای اطلس قرار دارد که
این کوهها به امتداد سواحل واقع شده اند. در مناطق
شرق این براعظم و طرف شرق مصر هم يك سلسله

کوهها از شمال به جنوب امتداد یافته است. در قسمتهای خط استوا، فلاتهای مرتفع حبشه وفلاتی به نام (جهیلها) وجود دارد که بلندترین قله افریقا به نام (کلمانجارو) نیز در همین منطقه، در کشور تانزانیا واقع میباشد که تقریباً (۵۱۶۷) متر از سطح بحر ارتفاع دارد.

صحرای اعظم در قسمت شمال افریقا موقعیت دارد، طرف شمال صحرای افریقا کوههای اطلس و طرف جنوب آن جنگلهای افریقایی مرکزی واقع میباشند. این صحرا که يك منطقه گرم و سوزان را تشکیل میدهد و فاقد آب میباشد، قسمت زیاد ممالك مصر، ليبيا، السودان، الجزائر، نایجیر، موریتانیا و مالی را دربر گرفته است.

دریاها:

در مناطق استوایی قاره افریقا به علت گرمی هوا و

تبخیر زیاد، باران بیشتر میبارد و باعث به وجود آمدن دریاها میگردد که مهمترین آنها عبارت انداز:

۱- دریای نیل: این دریا از جنوب به طرف شمال جریان دارد و در بحیره مدیترانه میریزد.

۲- دریای کانگو: قسماً از شرق به غرب جریان داشته و در بحر اطلس میریزد.

۳- دریای نایجیر: نخست این دریا در غرب افریقا از جنوب غرب به طرف شمال شرق و بعداً به طرف جنوب شرق امتداد یافته و در خلیج گینی میریزد.

۴- دریای لیم پوپو: این دریا در افریقای جنوبی موقعیت داشته به اوقیانوس هند میریزد.

جهیلها: جهیلهای مهم براعظم افریقا عبارت انداز:

جهیل وکتوریا: این جهیل بین ممالک یوگندا، کینیا و تانزانیا واقع است.

جهیل نیاسا: این جهیل بین کشورهای ملاوی، تانزانیا

و موزمبيق موقعيت دارد.

جهيل تانگانیکا: اين جهيل بين ممالك تانزانيا و

موزمبيق واقع ميباشد.

جهيل چاد: جهيل چاد در بين ممالك چاد، نايجير و

نايجيريه موقعيت دارد که بزرگترين آنها جهيل

وکتوريا مينباشد.

خليجها: مهمترين خليجهاي براعظم افريقا عبارت

انداز:

خليج عدن: اين خليج در شمال شرقي افريقا قرار

دارد.

خليج گيني: اين خليج در غرب اين قاره واقع است.

خليج سيدرا و خليج تونس: اينها در شمال براعظم

افريقا موقعيت دارند.

بحيره ها: بحيره هاي کناري قاره افريقا عبارت انداز:

بحيره مدیترانه به طرف شمال افريقا واقع است.

بحیره موزمبیق به طرف شرق این قاره موقعیت دارد
که گاهی به نام کانال موزمبیق هم یاد میشود.
بحیره سرخ بین افریقا و شبه جزیره عربستان واقع
میباشد.

آبناها و کانالها:

آبناهای قاره افریقا قرار ذیل میباشدند: آبناى باب
المنذب که بحیره سرخ را به خلیج عدن وصل میسازد.
آبناى موزمبیق درغرب مالاگاسی که دو قسمت بخرهند
را باهم يك جا میکند. آبناى جبل الطارق که بحیره
مدیترانه را با بحراطللس وصل مینماید. قاره افریقا
توسط کانال سویز از قاره آسیا جدا شده و بحیره
مدیترانه را به بحیره احمر وصل میسازد.

جزایر: گرچه قاره افریقا جزایر زیادی ندارد، با آن
هم يك تعداد جزایر مهم آن را به شرح ذیل معرفی
میکنیم. جزیره مدغاسکر (مالاگاسی) درجنوب شرق

هنگامی که او به کوفه رسید (۱۲۰) الی (۱۸۰) هزار نفر به نام امام حسین (رض) به مسلم بیعت کردند. حضرت امام حسین (رض) با دوستان و اقارب خود مشوره نمود، آنها مردم کوفه را بی اعتماد توصیف کردند و امام را از رفتن به کوفه باز داشتند.

در آن وقت نعمان بن بشیر حاکم کوفه و شخص صلح پسند بود و به مسلم گفت: خیلی محتاط باشید تا فتنه و فساد بر پا نشود. مسلم بن عقیل نامه یی به امام حسین (رض) فرستاد که هرچه زودتر خود را به کوفه برساند؛ ولی جواسیس یزید اطلاع یافتند و به او گفتند که اگر نعمان در کوفه باقی بماند وضع خیلی خراب خواهد شد. همان بود که یزید فوراً عبدالله بن زیاد را عوض نعمان والی کوفه مقرر کرد و فرمان داد که مسلم بن عقیل را از کوفه بیرون نمایند و یا او را به قتل برسانند. ابن زیاد به

این قاره، جزیره ریونیون در شرق مدغاسکر، جزیره موریس در شرق ریونیون، جزیره سنت هلن در غرب افریقا و جزیره اسنشن در غرب این براعظم یا در شمال جزیره سنت هلن موقعیت دارد.

جزیره نماها: جزیره نماهای مهم قاره افریقا عبارت انداز: جزیره نمای سوماتالی در شرق افریقا، جزیره نمای تونس در شمال تونس و جزیره نمای سینا در شمال شرق براعظم افریقا.

مجمع الجزایر: مجمع الجزایر قاره افریقا قرار ذیل میباشد: مجمع الجزایر کاناری در شمال غرب، مجمع الجزایر کیپ ورد در شرق و مجمع الجزایر سیشل نیز در شرق براعظم افریقا موقعیت دارند.

اقلیم: عبور خط استوا از نواحی مرکزی افریقا باعث گرمی زیاد اقلیم این منطقه شده است. در نواحی استوایی این قاره هوا در تمام سال طور يك نواخت

بسیار گرم و مرطوب می باشد. باران به پیمانه زیاد
می بارد و برخلاف مناطق صحرایی آن، هوای گرم
و خشك دارد، یعنی باران در آن مناطق كم می بارد.

اکثریت مردم افریقا از نژاد سیاه هستند. مردم
(۲۶) کشور در این قاره پیرو دین مقدس اسلام
می باشند.

نفوس: به اساس احصاییه سال (۱۹۹۷ م) در جهان
(۵۷۷۲) میلیارد نفر زنده گی میکنند که از آن جمله
(۷۲۲) میلیون نفر در قاره افریقا سکونت دارند که $\frac{1}{8}$
نفوس جهان را تشکیل میدهد. به این حساب در قاره
افریقا در هر کیلومتر مربع (۲۴۴) نفر زنده گی
میکند. افریقا از لحاظ جمعیت بعد از قاره آسیا و
امریکا سومین خشکه جهان را تشکیل میدهد. در تمام
این براعظم نفوس به صورت يك سان توزیع نگردیده
است. مردم در سواحل افریقا نظر به مناطق دشتی

و جنگلی آن بیشتر متوطن گریده اند. در ساحات
دشتی که تعداد نفوس کم میباشد، مناطقی وجود
دارد که حتی در هر ده کیلومتر مربع مساحت، تنها يك
نفر بودوباش دارد.

نژاد: اکثریت مردم افریقا مربوط به نژاد سیاه
میباشند. در این قاره به جزء از مناطق شمالی در
سایر نقاط مردمان سیاه پوست زنده گی میکنند.
سفیدپوستان این قاره به دوبخش تقسیم شده اند و
عبارت انداز: سفیدپوستان اروپایی که در دوران
استعمار به این جا آمده اند و در کشورهای مختلف
آن زنده گی میکنند. بخش دیگر نژاد سفید را
مردمان سامی عرب تشکیل میدهند که در ممالك عربی
شمال افریقا بودوباش دارند.

مذهب: در براعظم افریقا پیروان دین مقدس اسلام
و عیسوی اکثریت دارند، علاوه بر آن بعضی دینهای

محلّی که به سیاه پوستان مربوط است نیز وجود دارند، در قارهٔ افریقا باشندگان ۲۶ کشور پیرو دین مقدس اسلام اند. در این قاره یک تعداد قلیل پیروان دینهای یهودی، زردشتی و بودایی نیز زیست دارند.

زبان: ساکنین قاره افریقا به زبانهای مختلف تکلم میکنند که از آن جمله زبانهای سامی، ساحلی، محلّی و اروپایی قابل یادآوری است.

اکثریت مردم عرب به زبانهای سامی، سیاه پوستان به زبانهای ساحلی و محلّی صحبت میکنند. از جمله زبانهای اروپایی که مردم این قاره به آن تکلم مینمایند، زبانهای فرانسوی و انگلیسی نسبت به زبانهای دیگر عمومیت بیشتر دارند.

بنادر: قارهٔ افریقا از جمله براعظمت‌های عقب ماندهٔ جهان محسوب میشود. با وجود آن که بعد از جنگ جهانی دوم تعداد زیاد ممالک این قاره به آزادی نایل

گردیده اند، با آن هم اکثریت کشورهای این قاره از جمله ممالک در حال انکشاف پنداشته میشوند. به جز از مناطق شمالی و جنوبی و تا اندازه یی ساحات شرقی این قاره، متباقی مناطق عقب مانده به شمار میروند. اکثریت مردم آن بیسواد اند که این تعداد در بعضی نقاط به (۹۹) فیصد میرسد.

این براعظم دارای بنادر مهم میباشد که از طریق آن حمل و نقل بیشترین اموال مورد ضرورت، به داخل و خارج کشور صورت میگیرد و عبارت اند از: بندر سکندریه در شمال مصر، تریپولی در شمال لیبیا، تونس در شمال کشور تونس و الجزایر در شمال الجزایر در سواحل بحیره مدیترانه. بنادر رباط، کازابلانکا، داکار، لیبراویل و کیپ تاون در سواحل بحر اطلس موقعیت دارند. دارالسلام و موگادیشو در سواحل بحرهند، بنادر خیلی فعال میباشند.

کشورهای براعظم افریقا

کشورهای براعظم افریقا نظر به موقعیت جغرافیایی

آنها در پنج دسته ذیل معرفی میشوند:

کشورهای افریقای مرکزی:

شماره	کشور	پایتخت	مساحت به هزار کیلومتر مربع	نفوس به ملیون
۱-	انگولا	لواندا	۱۲۶۴۷۰	۱۰۲
۲-	زاییر	کنشاسا	۲۲۴۴۸۸	۴۶۵
۳-	کامرون	یاوننده	۴۷۵۴۴	۱۴۲۶
۴-	کانگو برازاویل	برازاویل	۲۴۲۰۰	۲۵۲
۶-	افریقای مرکزی	بانگی	۶۲۲۹۸	۲۲۷
۷-	چاد	ان جامنا	۱۲۸	۷
۸-	کابون	لیبرویل	۲۶۷۶۶	۱۱۷

کشورهای افریقای شمالی:

شماره	کشور	پایتخت	مساحت به هزار کیلومتر مربع	نفوس به ملیون
۱-	الجزایر	الجزیره	۲۳۸	۲۹۱۸
۲-	جمهوری مصر	قاهره	۱۰۰۰	۶۳۵۷

۵۴۴	۱۷۵۹۵	تریپولی	لیبی	۳-
۲۹۷۷	۴۵۸۷۲	ریاط	مراکش	۴-
۳۱۰۶	۲۵۰۵۸	خرطوم	سودان	۵-
۹	۱۶۴۱۵	تونس	تونس	۶-

کشورهای افریقای شرقی:

شماره	کشور	پایتخت	مساحت به هزار کیلومتر مربع	نفوس به میلیون
۱-	جیبوتی	جیبوتی	۲۲۰۰	۴۲۸ هزار
۲-	زامبیا	لوساکا	۷۵۲۴۱	۹۲
۳-	کینیا	نایروبی	۵۸۲۶۴	۲۸۲
۴-	جزایر کومورو	مورانی	۱۷۹	۵۶۹ هزار
۵-	موریشس	پورت لوئیز	۲۰۴	۱۱۴
۶-	مالاوی	لیلانگوی	۱۱۸۴۸	۹۴۵
۷-	مدغاسکر	تاناناریف	۵۸۷۰۴	۱۳۶۷
۸-	موزمبیق	مپوتو	۷۹۹۸۲	۱۷۸۷
۹-	جمهوری متحده تانزانیا	دارالسلام	۹۴۵۰۸	۲۹
۱۰-	رواندا	کیگالی	۲۶۲۲	۶۸۵
۱۱-	جزایر سیشل	ویکتوریا	۲۸۰	۷۸ هزار
۱۲-	اوگندا	کمپالا	۲۳۶۰۲	۲۰۱۵

۱۲- ایتوبی	ادیسه بابا	۱۰۴۳۰ر۱	۵۷ر۱۷
۱۴- زمبابوی	هاراری	۲۹۰۶۲	۱۱ر۳
۱۵- اریتریا	اسمارا	۱۱۵ر۹۴	۳ر۹
۱۶- سومالیه	موگادیشو	۶۲۷ر۶۵	۱ر۶۳
۱۷- برونیدی	بوزومبورا	۵۷۶۵ر	۶

کشورهای افریقای جنوبی:

شماره	کشور	پایتخت	مساحت به هزار کیلومتر مربع	نفوس به ملیون
۱-	بوٹسوانا	گابیرون	۶۰۰ر۰۰	۱ر۴۷
۲-	لیسوتو	ماسرو	۲۰ر۳۵	۲ر۰
۳-	نامیبیا	ویندهوک	۶۲۷ر۶۵	۱ر۶۷
۴-	سوازیلند	امبابان	۱۷ر۳۶	۱
۵-	افریقای جنوبی	پریتوریا	۱۲۳ر۳۹	۴۱ر۷۴

کشورهای افریقای غربی:

شماره	کشور	پایتخت	مساحت به هزار کیلومتر مربع	نفوس به ملیون
۱-	بنین (داهومی)	پورتونوو	۱۱۲ر۴۶	۵ر۷۱
۲-	ساحل عاج	ابیجان	۳۲۲ر۴۶	۱ر۴۸

۱۴ر۸	۲۲۲ر۴۶	ابیجان	ساحل عاج	-۲
۱ر۲۰	۱۱ر۲۹	بانجول	گامبیا	-۳
۱۷ر۷	۲۲۸ر۳	اکرا	کانا	-۴
۷ر۴۱	۲۴۵ر۸۵	کوناکری	کینی	-۵
۱ر۱۵	۳۶ر۱۲	بیساو	کینی بیسار	-۶
۲ر۱۱	۱۱۱ر۳۶	مونروویا	لایبیریا	-۷
۲ر۲۳	۱ر۰۳۰ر۷۰	نواکچوت	موریتانیا	-۸
۱ر۶۵	۱ر۲۴۰ر۱۴	بماکو	مالی	-۹
۱ر۱۱	۱ر۲۶۷ر۰۰	نیامی	نایجیر	-۱۰
۱۰۳ر۹۱	۹۲۳ر۷۶	لاکوس	نایجیریا	-۱۱
۱۴۴ هزار	۹۶۴	ساوتومه	پرنسپ و ساوتومه	-۱۲
۹	۱۹۶ر۱۹	داکار	سنگال	-۱۳
۴ر۸	۷۱ر۷۴	فریتاون	سیرالیون	-۱۴
۴ر۵۷	۵۶ر۰۰	لومی	توگو	-۱۵
۴۳۱ هزار	۳۹۰ر۶۲	مالابو	کینی استوایی	-۱۶
۱۰ر۶۲	۲۷۴ر۲۰	اوگادوگو	بورکینافاسو	-۱۷
۴۴۹ هزار	۴ر۰۲	پرایا	کیپ ورد	-۱۸

کوفه رسید و اعلام نمود که: «من با مردم مطیع و فرمانبردار، از راه شفقت و مهربانی معامله خواهم کرد؛ ولی با مردم شرانداز و فتنه گر از سختی کار خواهم گرفت.» به مسئولین هر قریه حکم کرد تا در قسمت امنیت منطقه شان کوشش جدی نموده و هر شخص مشکوک را گرفتار و به او تسلیم نماید. بالاخره، مسلم بن عقیل به دست محمد بن اشعث دستگیر و به ابن زیاد تسلیم داده شد.

مسلم از محمد بن اشعث خواست تا چگونه گی این موضوع را با امام حسین (رض) شرح نماید و برای شان بگوید که مردم کوفه قابل اعتماد نیستند و همانطوری که مرا فریب دادند با شما نیز جفا وعهد شکنی خواهند کرد.

اگرچه (۱۲۰) هزار نفر به مسلم بیعت کردند؛ ولی هنگام مشکلات (۲۰) نفر با ایشان ایستادند و متباقی

نقشه سیاسی قاره افریقا



0 1,000 2,000 3,000 کیلومتر

تمرین

- ۱- حدود اربعه براعظم افریقا را بیان کنید.
- ۲- خط استوا و طول البلد صفر درجه از کدام قسمتهای افریقا میگذرد؟
- ۳- در مورد اقلیم افریقا معلومات دهید.
- ۴- مهمترین دریاهاى قاره افریقا را نام بگیرید؟
- ۵- جهیلهای قاره افریقا کدامها اند؟
- ۶- کشورهای افریقایی شمالی را نام بگیرید؟
- ۷- کشورهای افریقایی شرقی و جنوبی را با پایتختهای آنها بیان کنید.
- ۸- اکثریت مردم براعظم افریقا مربوط به کدام نژاد و پیرو کدام دین میباشند.

فصل پنجم

براعظم امریکا

قاره امریکا یکی از قاره های بزرگ جهان میباشد که آن را به نام خشکه جدید یا دنیای جدید نیز یاد میکنند. این قاره توسط اوقیانوس اطلس و بحرالکاهل از خشکه های بزرگ دنیای قدیم (آسیا) اروپا و افریقا جدا گردیده است. مساحت قاره امریکا با جزیره گرینلند (۴۲) ملیون کیلومتر مربع میباشد. طول آن از شمال به جنوب ۱۵ هزار کیلومتر است. براعظم امریکا به سه قسمت تقسیم شده که عبارت انداز: امریکای شمالی، امریکای مرکزی و امریکای جنوبی.

حدود اربعه:

طرف شمال قاره امریکا بحرمنجمد شمالی، طرف جنوب آن آبهای مشترکه اوقیانوس اطلس و بحرآرام،

طرف شرق آن اوقیانوس اطلس و طرف غرب آن
بحرالکاهل (آرام) موقعیت دارد.



نقشہ سیاسی امریکای شمالی



کوهها:

مهمترین کوههای براعظم امریکا در غرب این قاره از آبنای بیرنگ در شمال تا دماغه کپ هورن در جنوب امریکای جنوبی امتداد دارند. کوههای که در نواحی غربی امریکای شمالی از شمال به جنوب امتداد یافته اند، به نام کوههای راکی یاد میشوند، بلندترین قله آن به نام مکنلی یاد میگردد که دارای ارتفاع (۶۱۹۹) متر از سطح بحر میباشد و در الاسکا موقعیت دارد. سلسله کوههای دیگر امریکای شمالی که از شمال شرق به طرف جنوب غرب امتداد دارد، به نام کوههای اپلاش یاد میشوند و در امریکای جنوبی به امتداد سواحل غربی، کوههای اندیز موقعیت دارند.

دریاها:

دریاهای مهم براعظم امریکا قرار ذیل میباشد:

میسی سیپی و میکنزی: این دریاها در ایالات متحده

امریکا جریان دارند و در خليج مكسيكو ميريزند.

دریای ریوگرانده: این دریا در قاره آمریکا جریان

داشته و در خليج مكسيكو ميريزد.

دریای آمازون: دریای آمازون در آمریکای جنوبی در

کشور برازیل جریان دارد و در بحر اطللس ميريزد.

این دریا از جمله بزرگترین دریاهای قاره آمریکا و

پرباترین دریاهای جهان میباشد. عرض دریای

آمازون در بعضی قسمتها به پنجاه كيلومتر ميرسد.

دریای پارانا: این دریا در آمریکای جنوبی در کشور

ارجنتاين جریان داشته و در بحر اطللس ميريزد.

بحيره ها: قاره آمریکا بحيره های زياد دارد که

مهمترین آنها عبارت انداز:

۱- بحيره لابرادور و بحيره بافن در شمال کانادا

۲- بحيره کارايبين به طرف شرق آمریکای مرکزی

۳- بحيره بيرنگ به طرف غرب الاسکا

جهیلها: جهیلهای مهم براعظم امریکا عبارت انداز:

جهیل انتاریو، جهیل ایری، جهیل هورن، جهیل
مشیکن و جهیل سوهیرر که در بین الایالات متحده
امریکا و کانادا از شرق به غرب یکی بعد دیگری
موقعیت دارند و به نام جهیلهای بزرگ یاد میشوند.
جهیل نیکاراگو در نیکاراگو و جهیل تیتی کاکا بین
سرحد بولیویا و پیرو قرار دارد.

کانالها: مهمترین کانال در قاره امریکا، کانال
پانامه است که در کشور پانامه موقعیت دارد. این
کانال که در حدود (۵۰) کیلومتر طول دارد، از طریق
بحیره کارابین، بحر اطلس را به بحر الکاهل وصل
میکند. کار ساختمان این کانال در سال (۱۹۰۴ م)
توسط دولت امریکا آغاز گردید. کندن کاری و
ساختمان کانال پانامه مدت (۱۰) سال طول کشید و
در سال (۱۹۱۴ م) به پایان رسید. قبل از ساختمان

کانال پانامه، کشتیهای که از شرق به غرب براعظم
امریکا میرفتند، مجبور بودند راه دور و دراز امریکای
جنوبی را طی نمایند، درحالی که کانال پانامه این
فاصله را خیلی کوتاه ساخت.

آبشارها: بزرگترین آبشار جهان، نیاگارا نام دارد
که آب از ارتفاع (۵۰) متر به پایین میریزد. آبشار
نیاگارا در شمال ایالات متحده امریکا در بین جبهلهای
ایری و آنتاریو موقعیت دارد.

خلیجها: درقاره امریکا خلیجهای زیاد وجود
دارند که مهمترین آنها قرار ذیل میباشد: خلیج
بافن و خلیج هودسن در شمال کانادا، خلیج مکسیکو
در جنوب ایالات متحده امریکا و خلیج ریودوجنیرو
در جنوب کشور یوروگوای.

جزایر: درقاره امریکا جزایر زیاد وجود دارند که
مهمترین آنها عبارت انداز: جزیره بافن و جزیره

ویکتوریا در شمال کانادا، جزیره پورتوریکو در بحیره کارابین و جزیره گرینلند در شمال شرق کانادا موقعیت دارند.

جزیره نماها: در قاره امریکا جزیره نماهای زیاد واقع شده که مهمترین آنها قرار ذیل معرفی میشوند: جزیره نمای الاسکا در شمال غرب امریکای شمالی، جزیره نمای نیوفوندلیند در غرب کانادا، جزیره نمای فلوریدا در جنوب شرق ایالات متحده امریکا و جزیره نمای کالیفورنیا در شمال غرب مکسیکو.

مجمع الجزایر: در قاره امریکا مجمع الجزایر زیادی وجود دارد که مهمترین آنها عبارت انداز: مجمع الجزایر ملکه الیزابت در شمال کانادا، مجمع الجزایر باهاماس و انتیل در بحیره کارابین و مجمع الجزایر فاکلیند در جنوب امریکای جنوبی.

اقلیم: قاره امریکا مانند براعظم آسیا دارای اقلیم

با حکومت هم دست شده، مسلم را به ابن زیاد
تسلیم و شهید نمودند.

امام حسین (رض) مطابق فیصله قبلی به روز سوم
ماه ذی الحجه سال (۶۰هـ) همراه با اهل بیت خویش
به طرف کوفه حرکت کرد و از شهادت مسلم بن عقیل
در طول راه اطلاع یافت. در جریان سفر تعداد
همراهان امام حسین (رض) به تدریج کم شده
میرفت تا آنکه وقتی به کوفه رسیدند تعداد شان به
(۷۲) نفر میرسید. عبیدالله بن زیاد عمرو بن سعد
بن ابی وقاص را همراه با (۴) هزار نفر مامور ساخت
تا از ورود امام حسین (رض) به کوفه جلوگیری
نماید. حر بن یزید تهیمی که سرلشکر عمرو بن
سعد بن ابی وقاص بود، در نزدیکی کربلا با امام
حسین (رض) ملاقات کرد. وی به امام حسین (رض)
گفت: از این تصمیم خود منصرف شوید و حیات

مختلف میباشد. نواحی شمال این قاره یعنی الاسکا و کانادا زیر تأثیر هوای سرد قطبی قرار دارد، ازاین سبب اقلیم آن خیلی سرد است. سواحل اوقیانوس اطلس و کشور ایالات متحده امریکا دارای آب و هوای معتدل میباشد.

اقلیم شمال امریکای جنوبی به نسبت نزدیکی به خط استوا گرم میباشد. به هر اندازه یی که به طرف جنوب برویم، هوای آن معتدل شده میرود و قسمتهای جنوب امریکای جنوبی، بنابر نزدیک بودن به قطب جنوب، اقلیم سرد دارد.

نفوس: براساس احصائیة سال (۱۹۹۷ م) درجهان (۵۷۷۱) میلیارد نفر زنده گی میکند که از آن جمله (۷۸۲) میلیون نفر در قاره امریکا بود و باش دارند. قاره امریکا از لحاظ نفوس بعد از آسیا دومین براعظم جهان را تشکیل میدهد که تقریباً $\frac{1}{4}$ حصه نفوس جهان را

دربار میگیرد. مردم بسیار کم در مناطق شمال امریکای شمالی و در جنوب امریکای جنوبی نسبت اقلیم سرد و عدم مساعدت شرایط طبیعی برای فعالیتهای بشری بود و باش دارند. در قاره امریکا از مناطقی که خط استوا میگذرد، اقلیم گرم و رطوبت بیشتر دارند. بناءً در این مناطق جنگلات انبوه وجود دارد و باعث آن شده است که در کثرت نفوس کاهش به عمل آید. در امریکای جنوبی، حوزه آمازون از بارنده گی و رطوبت بیشتر برخوردار است، لهذا تعداد ساکنین این منطقه بسیار کم میباشد.

در براعظم امریکا، در ساحاتی که زمینهای حاصلخیز و دریاها وجود داشته باشد، مردم مصروف فعالیتهای اقتصادی بوده و در آن مناطق تعداد نفوس هم بیشتر میباشد. مناطق ساحل غربی و شرقی قاره امریکا که در مجاورت بحرالکاهل و بحر الکاهل قرار دارند، تحت

تأثیر اقلیم بحری قرار گرفته و تراکم نفوس در آن جا
بیشتر میباشد.

نژاد: در قاره امریکا سه نژاد مهم بودوباش دارند
که عبارت اند از: نژاد سفید، نژاد سیاه و نژاد زرد
(سرخپوستان امریکا). سرخپوستان امریکا که گاهی
اندینها هم گفته میشوند تقریباً یک قرن قبل از میلاد
از آبناى بیرنگ گذشته و در این براعظم متوطن شده
اند.

وقتی که کرسف کلمب این قاره را کشف نمود،
مردمان مربوط به نژاد سفید از سرزمینهای اروپا به این
قاره مهاجرت کردند و به حیات خویش ادامه دادند و
فعلاً اکثریت باشندگان این قاره را تشکیل میدهند.
سیاه پوستان، در نتیجه تجارت غلامان به این قاره
انتقال داده شده اند و در مزارع مناطق مختلف به
کارهای شاقه توظیف گردیدند تا آن که غلامی در

جهان رسماً ملغی قرار داده شد و آنها توانستند به شهرها بروند. امروز آنها بعد از سرخپوستان اقلیت درجه دوم را تشکیل میدهند.

نژاد مخلوط که از ترکیب سفیدپوستان، سیاه پوستان و سرخپوستان به وجود آمده اند در امریکای مرکزی و جنوبی سکونت دارند.

زبان: در قاره امریکا مردم به زبانهای مختلف تکلم مینمایند، که زبانهای عمده آنها قرار ذیل اند: انگلیسی، هسپانوی، پرتگالی و فرانسوی. اکثریت مردم در امریکای شمالی به زبان انگلیسی و فرانسوی و در امریکای مرکزی و جنوبی به زبانهای هسپانوی و پرتگالی سخن میگویند. همچنان در امریکای مرکزی و جنوبی تعداد محدود مردم به زبانهای محلی و بومی نیز صحبت میکنند.

به صورت عمومی در کانادا اکثریت مردم به زبانهای

انگلیسی و فرانسوی و در ایالات متحده امریکا به زبان
انگلیسی حرف میزنند. به جز از برازیل در تمام
کشورهای امریکای لاتین (امریکای مرکزی و جنوبی به
شمول مکسیکو) اکثریت مردم به زبان هسپانوی و
در کشور برازیل به زبان پرتگالی صحبت میکنند و علت
آن دوره طولانی استعمار هسپانویها، پرتگالیها، انگلیسها
و فرانسویها پنداشته شده است.

بنادر: کشورهای ایالات متحده امریکا و کانادا از
جمله ممالك صنعتی و انکشاف یافته این قاره محسوب
میشوند و به خصوص ایالات متحده امریکا يك کشور
عمده صنعتی و پیشرفته جهان به شمار می آید.
کشورهای دیگر قاره امریکا، ممالك درحال انکشاف و
عقب مانده میباشند. به هرحال این قاره در مجموع
در مقایسه با براعظم افريقا يك قاره صنعتی و پیشرفته
محسوب میشود.

چون این براعظم پیشرفت زیاد نموده، بناءً برای حمل و نقل مسافرین و اموال تجارتی، بنادر زیاد ساخته شده است که بهترین آن عبارت انداز: بنادر بوستون، نیویارک و فلا دلفیا در شرق ایالات متحده آمریکا در سواحل بحراطلس و بنادر لاس انجلس و سانفرانسسکو در غرب ایالات متحده در سواحل بحر اطلس. همچنان سان سلوادور پایتخت السلوادور در سواحل بحراطلس، پاراماریبو پایتخت سورینام، جارج تاون پایتخت گویان، کاراکاس پایتخت ونزوئلا در شمال امریکای جنوبی در سواحل بحراطلس و ریودی جنرو در شرق برازیل در سواحل بحراطلس از جمله بنادر عمده قاره آمریکا محسوب میشوند.

اکثریت اموال تجارتی از طریق همین بنادر به جهان خارج صادر و اموال مورد ضرورت مردم نیز از همین طریق به آمریکا وارد میشوند.

کشورهای براعظم امریکا

کشورهای براعظم امریکا نظر به موقعیت جغرافیایی آنها در پنج دسته ذیل معرفی میشوند.

کشورهای امریکای شمالی:

شماره	کشور	پایتخت	مساحت به هزار کیلومتر مربع	نفوس به ملیون
۱-	ایالات متحده امریکا	واشنگتن دسی	۹۲۶۲۲ر۱۲	۲۶۵ر۶
۲-	کانادا	اوتاوا	۹۱۹۷۶ر۱۲	۲۸ر۸۲
۳-	مکسیکو	شهر مکسیکو	۱۹۱۷۲ر۱۴	۹۵ر۷۷

کشورهای امریکای مرکزی:

شماره	کشور	پایتخت	مساحت به هزار کیلومتر مربع	نفوس به ملیون
۱-	السلوادور	سانسلوا دور	۲۱ر۰۴	۵ر۱
۲-	پاناما	شهر پاناما	۷۷ر۰۸	۲ر۷
۳-	کستاریکا	سانجوزه	۵۰ر۸۹	۲ر۴
۴-	کواتیمالا	شهر کواتیمالا	۱۰۸ر۸۸	۱۱ر۲۷

۴ر۲	۱۳۰ر۰۰	مالا کوا	۵- نیکاراگوا
۲۱۹ هزار	۲۲ر۹۶	بنلویان	۶- مالدوراس برتانی (بلیز)
۵ر۶۰	۱۱۲ر۰۸	تیگوسیگالیا	۷- مالدوراس

(ج) کشورهای امریکا جنوبی:

شماره	کشور	پایتخت	مساحت به هزار کیلومتر مربع	نفوس به میلیون
۱-	ارجنتاین	بونس آیرس	۲۷۷۷ر۰۰	۳۴ر۶۷
۲-	اکوادور	کیتو	۲۸۳ر۰۰	۱۱ر۴۶
۳-	برازیل	برازیلیا	۸۱۲ر۰۰	۱۶۲ر۶۶
۴-	بولوویا	لاپاز	۱ر۰۹۸ر۰۰	۷ر۱۶
۵-	پاراگوای	اسنشن	۴۰۶ر۷۵	۵ر۵۲۵
۶-	پیرو	لیما	۱ر۲۸۵ر۰۰	۲۴ر۲
۷-	چیلی	سانتیاگو	۷۵۶ر۹۴	۱۴ر۳
۸-	کلمبیا	بوکوتا	۱ر۱۲۸ر۹۱	۳۶ر۸۱
۹-	جمهوری گیانا	جورج تاون	۲۴۵ر۰۰	۷۲۴ هزار
۱۰-	گیانای فرانسوی	کاین	۸۵ر۰	۱۵۱ هزار
۱۱-	گیانای مالیندی (سورینام)	پارامارینبو	۱۶۳ر۲۵	۴۳۰ هزار
۱۲-	ونیزویلا	کاراکاس	۹۱۲ر۰۰	۲۱ر۹۸
۱۳-	یوروگوای	مونستی ویدو	۱۷۷ر۰۰	۳ر۲

کشورهای بحیره کارابین:

شماره	کشور	پایتخت	مساحت به هزار کیلومتر مربع	نفوس به ملیون
۱-	باربادوس	بریجتاون	۴۲۴	۲۵۶
۲-	بهاما	ناساو	۱۴۰۰	۲۶۱ هزار
۳-	ترینیداد	پورت آف اسپین	۵۰۶	۱۲
۴-	جمیکا	کنگستون	۱۱۰۰	۲۶
۵-	جمهوری دومینیکن	سانتادومنگو	۴۹۰۰	۸
۶-	دومینیکا	روزو	۷۵۱	۸۲ هزار
۷-	کیوبا	هاوانا	۱۱۴۵۲	۱۱
۸-	گرینادا	سنت جوز	۲۴۴	۹۶ هزار
۹-	هایتی	پورت آف پرنسی	۲۷۷۵	۶۷۲

نقشه طبیعی امریکای شمالی



خود را درخطر میندازید.

امام حسین (رض) که وضع را چنین دید سه شرط ذیل را پیشنهاد کرد:

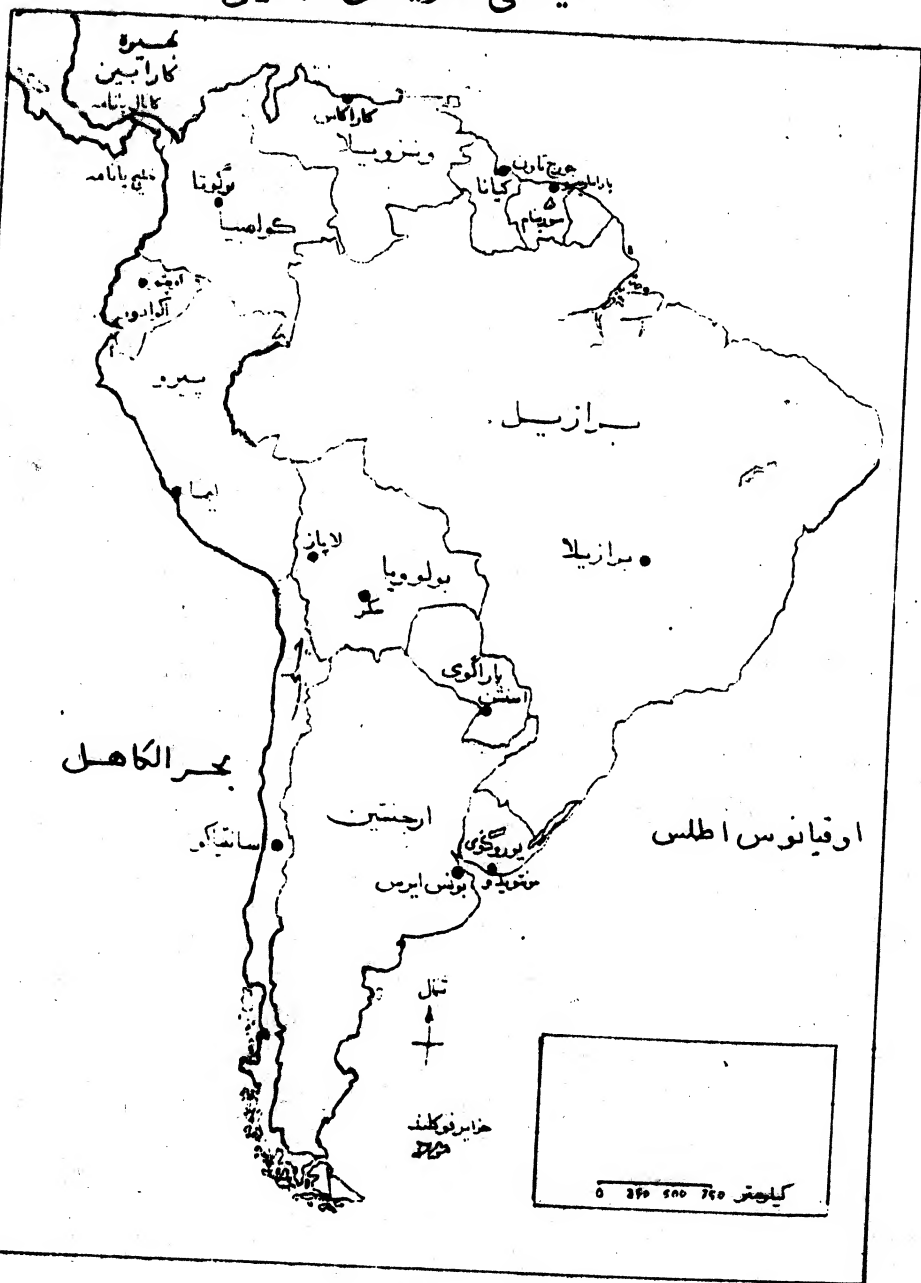
۱- به امام حسین (رض) اجازه داده شود تا به مکه برگردد.

۲- بگذارند تا در مرزهای ممالك اسلامی در مقابله با کفار شهید شود.

۳- بگذارند مستقیماً نزد یزید برود و بعد از گفتگو و حل بعضی مسایل به او بیعت کند؛ ولی آنها هیچ يك از شرایط امام را قبول نکردند و اصرار ورزیدند که در همین مقام به یزید بیعت نمایند. امام حسین (رض) این شرط را نپذیرفت، بنابراین واقعه دردناک کربلا رخ داد.

امام حسین (رض) با همراهانش که تعداد شان به (۷۲) نفر میرسید با ایمان کامل و مردانه گی خود را

نقشه سیاسی امریکای جنوبی



تمرین

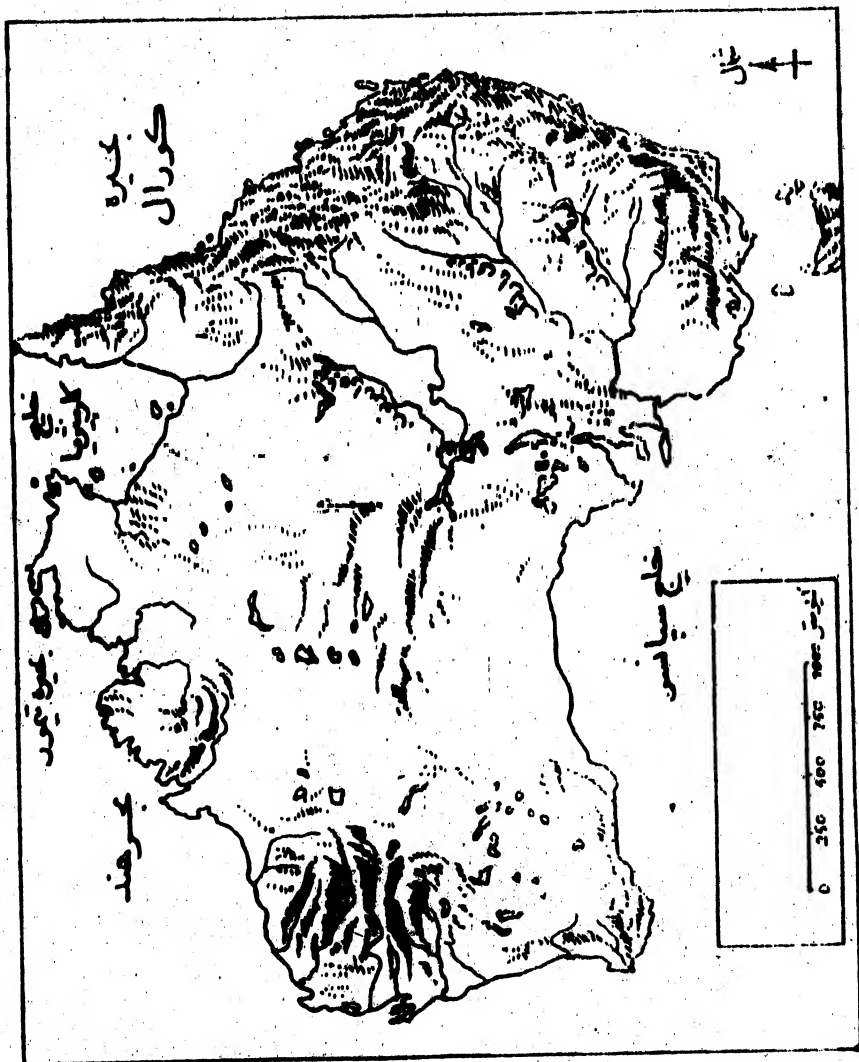
- ۱- چرا قاره آمریکا را به نام خشکه جدید یا دنیای جدید یاد میکنند؟
- ۲- حدود اربعه براعظم آمریکا را بیان کنید.
- ۳- سلسله کوههای راکی و اندیز در کدام قسمتهای براعظم آمریکا موقعیت دارند؟
- ۴- مهمترین دریاهاى قاره آمریکا را نام بگیرید.
- ۵- جهیلهایی را که بین ایالات متحده آمریکا و کانادا واقع اند نام بگیرید.
- ۶- آبشار نیاگارا در کدام براعظم واقع و ارتفاع آن چند متر میباشد؟
- ۷- کانال پانامه در کجا واقع و توسط کدام دولت حفر شده است؟
- ۸- در مورد قاره آمریکا مختصراً معلومات دهید.

اوقیانوسیه و انتارکتیکا

اوقیانوسیه

اوقیانوسیه از جمله کوچکترین براعظمت‌های جهان میباشد که تمام جزایر آن در بحرالکاهل موقعیت دارند. استرالیا بزرگترین کشور این حوزه میباشد. این کشور به شمول جزایر متعدد بحرالکاهل (ملینزیا، مکرونیزیا و پولنیزیا) براعظم اوقیانوسیه را تشکیل میدهد. به عبارت دیگر اوقیانوسیه از يك تعداد جزایر خورد و بزرگ در بحرالکاهل تشکیل گردیده که بعضاً به صورت کشورهای مستقل شناخته شده است.

نقشه طبیعی استرالیا



استرالیا

اسم استرالیا از لفظ لاتین استرالیز گرفته شده که به معنی قطب جنوب میباشد. استرالیا بزرگترین کشور اوقیانوسیه بوده که به حیث يك براعظم جداگانه نیز شناخته شده است. این کشور دارای (۷۶) میلیون کیلومتر مربع مساحت میباشد و نفوس آن در سال (۱۲۷۵هـ. ش) به (۱۸۲) میلیون نفر بالغ گردیده است. مرکز آن شهر کانبیرا میباشد. این مملکت از طرف شرق و جنوب به اوقیانوس آرام، از طرف غرب به بحرهند و از طرف شمال به جزایر جنوب شرق آسیا و جزایر ملانیزیا محدود میگردد. چون کوهها اکثراً در سواحل این براعظم موقعیت دارند، به این خاطر درکمی و زیادی درجه حرارت، بارنده گی و مسیر بادهای تأثیر زیاد دارند. نظر به

اینکه استرالیا در جنوب خط استوا بین عرض البلد های (۱۱ و ۴۴) درجه واقع میباشد، از همین لحاظ يك نوع شرایط به خصوص اقلیمی را در بعضی نقاط ایجاد کرده است که مقدار بارنده گی در نقاط مختلف متفاوت میباشد. چون وطن محبوب ما در نیم کره شمالی موقعیت دارد، از همین جهت زمانی که در افغانستان تابستان باشد در استرالیا زمستان میباشد.

ایالات فدرالی استرالیا

شماره	ایالت	مرکز
۱-۳	نیوسوت ویلز	سدنی
۲-۲	تسمانیه	هوبارت
۲-۲	استرالیای غربی	پرت
۲-۲	استرالیای جنوبی	ادیدلاید
۴-۲	ویکتوریا	ملبورن

۵- کوینزلیند بریسبون

۶- قلمرو مرکز استرالیا کابنیرا

۷- قلمرو شمالی داروین

دریاهای مشهور استرالیا:

در استرالیا دریاهای متعددی وجود دارند که مشهورترین آن دارلینگ نام دارد. طول آن (۲۸۰۰) کیلومتر میباشد و تا قلب استرالیا پیش میرود. این دریا دارای معاونین زیاد میباشد که مشهورترین آن دریای لاجلان نامیده میشود. همچنان دریاهای دیگر استرالیا فلندر و اشبرتان میباشد.

بحیره ها: ممالك اوقيانوسيه و استرالیا در بين ابهار موقعيت دارند که اکثر این کشورها از طریق بحر و بحيره ها از هم جدا شده اند و مشهورترین بحيره های آن عبارت اند از:

۱- بحیره تیمور: این بحیره در بین تیمور و شمال غرب استرالیا موقعیت دارد.

۲- بحیره ارافورا: این بحیره در بین نیوگینی و شمال استرالیا واقع میباشد.

۳- بحیره کورال: این بحیره طرف شرق استرالیا در وسط استرالیا و نیو کالوینیا واقع شده است.

۴- بحیره تسمانیه: این بحیره طرف شرق استرالیا و شمال نیوزیلند موقعیت دارد.

جھیلها: جھیلهای زیادی در استرالیا واقع میباشند که از آن جمله، جھیل ایری در ایالت استرالیای جنوبی موقعیت دارد. این جھیل از جمله عمیقترین جھیلهای منطقه به حساب میرود که عمق آن از سطح بحر در حدود (۱۲) متر پایین میباشد. جھیلهای مشهور دیگر استرالیا عبارت اند از: تورنس، فرام، گردنر و مور.

خلیجها: خلیج کارپنتر در شمال و خلیج اسپنسر
در جنوب استرالیا واقع میباشند که در اقلیم منطقه
تأثیر به سزایی دارند.

کوهها:

سواحل شرقی، غربی و ایالت شمالی استرالیا تقریباً
کوهستانی میباشند. کوههای مرتفع و مشهور آن که
عمدتاً در شمال شرق و شرق استرالیا موقعیت دارند، به
نامهای سلسله کوههای دیواید و سلسله های گریت
دیوایدنگ یاد میشوند. آلپهای استرالیا در شرق،
دارلینگ در جنوب غرب استرالیا و سلسله های هامرسلر
مغرب استرالیا واقع اند.

جزایر: در اقیانوسیه جزایر زیاد وجود دارند که
مهمترین آنها عبارت اند از: استرالیا، تاسمانی، جزایر
شمالی و جنوبی زیلاندنو، هاوایی، گوام و غیره.
جزیره نماها: در این حوزه جزیره نماهای زیاد وجود

ندارند. تنها يك جزيره نما كه در شمال استراليا
موقعيت دارد، به نام كيپ يورك ياد ميشود.

مجمع الجزاير: جزاير اوقيانوسيه به استثنای
استراليا به سه گروپ تقسيم ميشوند و عبارت انداز:
پولينزيا، ملانزيا و ميكرونزيا. مجمع الجزاير هاوايي
به گروپ پولينزيا، مجمع الجزاير سليمان و بسمارك به
گروپ ملانزيا و مجمع الجزاير كارولين به ميكرونزيا
تعلق دارند.

نفوس: در اوقيانوسيه تعداد نفوس نظر به
براعظماي ديگر کمتر ميباشد و جمعاً (۲۹) مليون نفر
در آن جا زنده گي ميکنند. مهمترين کشور اوقيانوسيه
استراليا است که تراکم نفوس در سواحل آن نسبت به
مناطق ديگر بيشتر ميباشد. مناطق داخلي آن که
دشت وسيعي را تشکيل نموده است، جمعيت کمتر
دارد.

در راه حق و اسلام در مقابل ظلم و تجاوز قربان
نمودند و مثال ارزنده فداکاری و سربازی را در
تاریخ اسلام از خود به جا گذاشتند.

آوازه شهادت امام حسین (رض) باهمراهان و اهل
بیت شان در گوشه و کنار ممالك اسلامی چنان طنین
انداخت که قلبهای همه مسلمانان را داغدار ساخت.
بنابرآن، مخالفت با یزید از هرطرف آغاز یافت.
مردم مدینه از این عمل یزید رنجیدند و به همین
دلیل والی یزید را ازمدینه راندند؛ اما لشکریان
یزید بالای مردم مدینه حمله کردند، عده زیاد
صحابه را شهید نمودند و اموال مردم را به غارت
بردند.

به این ترتیب عساکر شام به مکه مکرمه که حاکم
آن عبدالله بن زبیر (رض) بود حمله بردند و شهر را
در محاصره کشیدند، آنها حتی خانه کعبه مبارکه را

نژاد: باشندگان بومی و اصلی جزایر اوقیانوسیه به احتمال زیاد از قاره آسیا آمده اند. بعد از قرن یازدهم که کشتیرانی در ابحار آزاد آغاز شد يك تعداد اروپاییان به اوقیانوسیه آمدند و در جزایر مختلف آن مسكون گردیدند که فعلاً همین اروپاییان (سفیدپوست) اکثریت نفوس آن را تشکیل میدهند.

مذهب: چون استرالیا از کشورهای مهم قاره اوقیانوسیه میباشد، بناء اکثریت مردم از دین عیسوی پیروی میکنند، مذاهب کاتولیک پروتستان و ارتودوکس که رشته های مختلف آیین عیسویت میباشد، پیروان زیاد دارند. به صورت عمومی تعداد پروتستانتها نظر به مذاهب دیگر زیاد است.

زبان: در جزایر اوقیانوسیه مردم به زبانهای مختلف تکلم میکنند که زبان انگلیسی از جمله زبانهای اروپایی و زبان پولنزیایی نسبت به زبانهای دیگر زیاد مورد

کشورهای اوقیانوسیه

شماره	کشور	پایتخت	مساحت به هزار کیلومتر مربع	نفوس به ملیون
۱-	استرالیا	کانبیرا	۷۶۸۶۴۲	۱۸٫۲
۲-	زئیلاند جدید	ولنگتن	۲۶۸٫۶۷	۲٫۴
۳-	فیجی	سوا	۱۸٫۲۷	۰٫۸
۴-	پاپوا-گینی جدید	پورت موریس	۴۶۱٫۶۱	۴٫۲۹
۵-	ساموآ غربی	اپیا	۲٫۸۴	۲۱۴ هزار
۶-	جزایر سلیمان	هونیارا	۲۸٫۴۴	۴۱۳ هزار
۷-	تونگا	نوکوالوفا	۶۹۹	۱۰۶ هزار

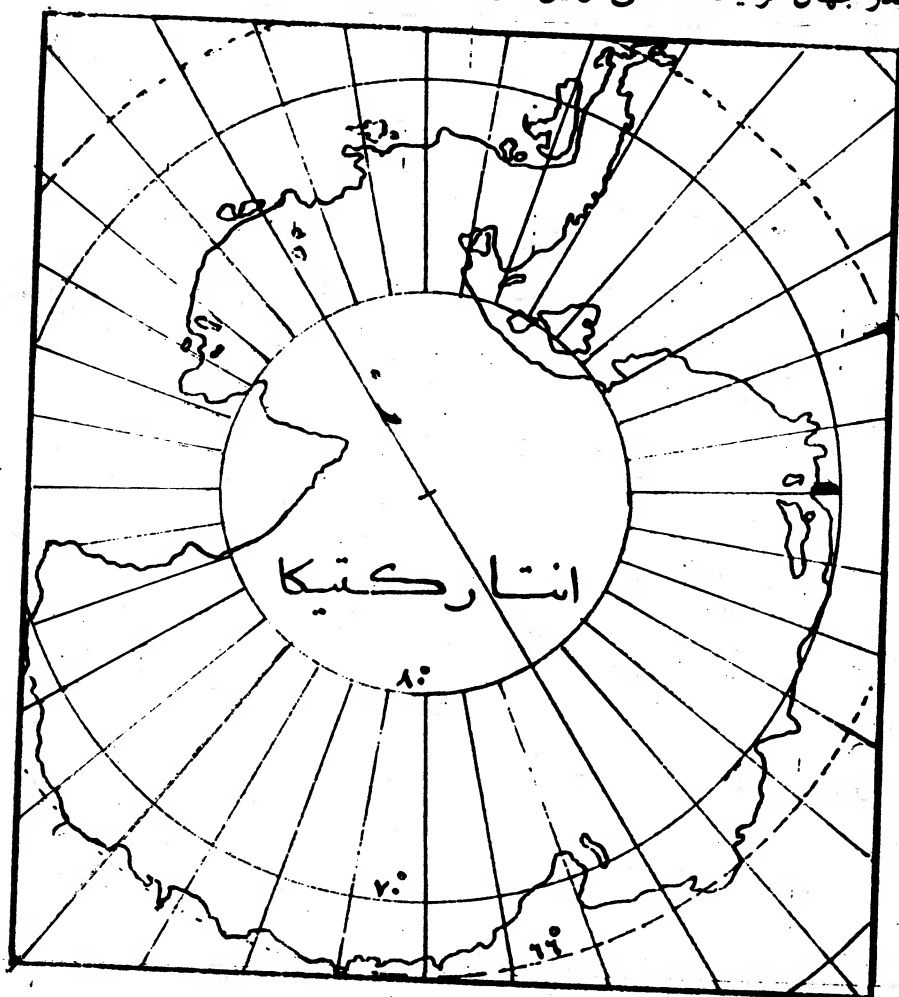
تمرین

- ۱- استرالیا از کدام کلمه گرفته شده و معنای آن چیست؟
- ۲- حدود اربعه استرالیا را نام بگیرید.
- ۳- استرالیا از چند ایالت تشکیل شده است؟
- ۴- دریا‌های مشهور استرالیا کدامها اند؟
- ۵- بحیره‌های استرالیا را بیان کنید.
- ۶- مشهورترین خلیج استرالیا چه نام دارد.
- ۷- مشهورترین جبهه‌های استرالیا را نام ببرید.
- ۸- مشهورترین کوه‌های استرالیا را نام بگیرید.
- ۹- بلندترین قله کوه‌های اقیانوسیه در کدام مملکت واقع شده است.
- ۱۰- ممالك اوقیانوسیه را نام بگیرید.

انتارکتیکا

انتارکتیکا ششمین قاره جهان میباشد. این براعظم از طرف شمال توسط بحرالکاھل، بحرھند و اوقیانوس اطلس احاطه شده است. نزدیکترین کشورها به انتارکتیکا درنیم کره شرقی، زیلاند جدید و استرالیا و درنیم کره غربی ارجنتاین و چلی میباشند. دراین قاره سلسله جبال متعددی وجود دارند که بلندترین قله آن مارکھام میباشد که (۴۵۸۰) متر از سطح بحر ارتفاع دارد؛ اما ارتفاع متوسط این براعظم از سطح بحر در حدود (۲۲۰) متر میباشد. هرگاه ازھر ناظر قطب جنوب (قاره انتارکتیکا) حرکت کنیم، خط السیر ما به طرف شمال خواهد بود. در قاره انتارکتیکا دائماً شش ماه شب و شش ماه روز بوده ، آب و هوای آن سرد و قابل بودوباش

دایمی انسانها نمیباشد. مساحت این قاره (۱۳.۳) میلیون کیلومتر مربع و جمعیت آن در فصل تابستان (نیم کره جنوبی) به هفت هزار نفر میرسد. سرزمین انتارکتیکا از خود دولت و حکومتی ندارد. کشورهای پیشرفته و مقتدر جهان هر يك قسمتی از این قاره را تصاحب نموده اند.



علماء و دانشمندان ممالك پیشرفته در ماههای تابستان به آن جا جهت مطالعات و تحقیقات علمی میروند؛ اما برخلاف در فصل زمستان (نیم کره جنوبی) تعداد نفوس آن به (۵۰۰) نفر میرسد که آن هم با وسایل پیشرفته در آن جا برای مطالعات علمی باقی میمانند.

در این قاره به مثل کشور ما و دیگر ممالك که در منطقه معتدله واقع اند، چهار فصل سال وجود ندارد، بلکه انتارکتیکا دارای دو فصل در سال است. یکی فصل تابستان که در آن شش ماه روز می باشد، آفتاب به دور آن چرخ میخورد. دوم فصل زمستان که در آن شش ماه شب است و آفتاب در آن هیچ طلوع نمیکند و بنابر سردی خیلی زیاد در قطب جنوب مکروب و بکتريا وجود ندارد. از این سبب هیچ چیز در آن جا فاسد و گنده نمیشود؛ زیرا سردی هوا هر

نیز سنگباران کردند. بالاخره یزید در سال (۴۴ هـ) مرد.

معاویه ثانی

بعد از مرگ یزید اهالی شام پسر جوان او معاویه را به خلافت برگزیدند. او شخص نیک و دیندار بود. از امور خلافت دست کشید و مسلمانها را مخاطب قرار داده گفت: «شما که مرا به حیث خلیفه انتخاب کرده اید، من نمیتوانم از عهدۀ این بارگران بدرآیم. من میخواستم به طریقۀ حضرت ابوبکر صدیق (رض) جانشین خود را تعیین نمایم و یا به روش حضرت عمر فاروق (رض) کمیته مرکب از شش نفر را تعیین نمایم تا بین خود مشوره کرده و یک نفر را به حیث خلیفه انتخاب نمایند؛ ولی کسی را مانند حضرت عمر فاروق نمیبینم و نه شش نفر را

سراغ دارم، لهذا هرطوری که خواسته باشید خلیفه
تان را انتخاب نمایید. من از این عهد دستبردار
هستم.

ابن زیاد مردم بصره را جمع و میخواست خود را
به حیث خلیفه انتخاب نماید. اهالی بصره به او بیعت
کردند. بعداً به کوفه آمد؛ ولی مردم او را قبول
نکردند و بنابراین ابن زیاد به شام فرار کرد. مردم
کوفه و بصره باهم مشوره کردند و بعد از انتخاب والی،
خلافت عبدالله بن زبیر (رض) را قبول نمودند. مردم
مصر نیز به او بیعت کردند در این هنگام شام یگانه
ولایتی بود که خلافت عبدالله بن زبیر (رض) را
نپذیرفت.

تمرین

- ۱- امیر معاویه (رض) به کدام فامیل تعلق داشت؟
- ۲- امیر معاویه در زمان کدام خلفیه والی شام بود؟
- ۳- در زمان خلافت امیر معاویه (رض) کدام مناطق تحت تصرف مسلمانها قرار داشت؟
- ۴- سیرت و کارنامه های امیر معاویه (رض) را مختصراً بیان نمایید.
- ۵- یزید چگونه به قدرت رسید درباره شخصیت او معلومات مختصر ارائه نمایید.
- ۶- جنگ بین امام حسین (رض) و یزید در کجا رخ داد؟
- ۷- شهادت امام حسین (رض) در کدام حالات به وقوع پیوست؟
- ۸- در باره واقعه کربلا و شهادت امام حسین (رض) معلومات دهید.

بسم الله الرحمن الرحيم

فصل اول

امویها

قبایل بنی امیه و بنی هاشم بر سایر قبایل قریش
تفوق و برتری داشتند. مردم مکه بنی هاشم را
نسبت سرپرستی خانه کعبه به دیده قدر و احترام
مینگریستند، در حالیکه قبیله بتی امیه به خاطر ثروت،
جاه و جلال شهرت داشت. ابوسفیان سردار قریش
در دشمنی با اسلام نسبت به همه پیشقدم بود.
ابوسفیان در زمان فتح مکه توسط حضرت عباس

دوره دوم امویها (۶۴-۱۳۷ هـ. ق)

عبدالله بن زبیر (رض)

(۶۴-۷۳ هـ. ق)

عبدالله بن زبیر (رض) صحابی مشهوری بود. بعد از مرگ یزید محاصره شهرمکه توسط حصین بن نمیر درهم شکست. حصین بن نمیر نزد عبدالله بن زبیر آمد و گفت: «من حاضر هستم به تو بیعت کنم. بهتر خواهد بود با من به شام بروید تا مردم شام متفقاً به شما بیعت نمایند. به شرطی که عفو عمومی را اعلام کنید تا آن عده مردمی که با شما جنگیده اند اطمینان حاصل کنند؛» ولی عبدالله بن زبیر (رض) در پاسخ فرمودند: «به خداوند (ج) سوگند یاد میکنم

که من در بدل يك نفر حجازی ده نفر شامی را
خواهم کشت.»

با شنیدن این سخن حصین بن نمیر همراه با
لشکر خود به شام برگشت. اشتباه دیگری را که
عبدالله بن زبیر (رض) مرتکب شد، این بود که:
مروان بن حکم والی مدینه حاضر بود تا به ابن زبیر
(رض) بیعت کند. درحالی که ابن زبیر (رض) يك
عده امویهای ساکن مدینه را از آن شهر بیرون
کشید. مروان به شام رفت و در آن جا به حیث
خلیفه انتخاب گردید. دراین وقت ولایات حجاز،
عراق و مصر خلافت ابن زبیر (رض) را پذیرفته بودند.
درشام نیز تعداد زیاد مردم به پشتیبانی از ابن زبیر
(رض) خلافت مروان را قبول نکردند. بالاخره جنگ
بین آنها درگرفت طرفداران ابن زبیر (رض) شکست
خوردند و شام کاملاً به دست مروان افتید.

بعداً عساکر شام، مصر را نیز به تصرف خود در آوردند. مروان در سال (۶۵ هـ) وفات یافت و بعد از او پسرش عبدالملک پادشاه شد. عبدالملک به عراق حمله کرد که در نتیجه مصعب بن زیبر (رض) شکست خورد و به شهادت رسید.

همچنان حجاج بن یوسف، جنرال مشهور خود را مأمور ساخت تا مکه مکرمه را تصرف نماید. او مکه را برای مدت زیادی در محاصره نگه داشت. بالاخره ذخایر ارتزاقی در مکه مکرمه ختم گردید و مردم به طرفداری از حجاج پرداختند. عبدالله بن زیبر (رض) مقاومت مینمود که حتی دو پسرش نیز با حجاج پیوستند. با مطلع شدن این واقعه به مادر خود چنین گفت: «کسانی که با من عهد بسته بودند، مرا تنها گذاشته و به دشمن پیوستند، حتی دو پسر من نیز در مقابلم جفا نمودند.

اگر دراین هنگام اطاعت دشمن را قبول کنم
هرگونه خواهش مرا خواهد پذیرفت. نظر خود را
دراین مورد ابراز نمایید.

حضرت اسماء (رض) در جواب فرمود: پسر! اگر
متیقین هستی که حق به طرف تو است به هیچ قیمت
به بنی امیه تسلیم مشو و مانند سایر همراهانت خود
را در راه حق قربان کن.

اگر به خاطر جاه و جلال و متاع دنیوی میجنگی
بدترین مردم خواهی بود؛ زیرا مردم معصوم و بی
گناه را به هلاکت رسانیده ای و اگر در تعداد
طرفدارانت کاهش به عمل آمده، طریق مؤمنین این
است تا بروی و در راه حق آخرین قطره خون خود
را بریزی.

ابن زبیر (رض) به مادرش گفت: «به مرگم گیره
و اندوه نکنید!» مادرش تسلی داد و گفت: برو پسر!

من به صبر جمیل متصل میشوم.»

عبدالله بن زبیر (رض) همراه با چندتن از طرفدارانش به مقابله دشمن پرداخت و در نتیجه به شهادت رسید.

دوره خلافت عبدالله بن زبیر (رض) هفت سال بود. او شخص متدین، پرهیزگار و خوش اخلاق بود. در حق گفتن و دلاوری شهرت زیاد داشت. تمام کارهای خود را به خاطر رضای خداوند (ج) و اجر روز آخرت انجام میداد.

عبد الملك بن مروان (۶۵-۸۶ هـ):

آنانی که بعد از یزید به سلطنت رسیدند از اولاد معاویه (رض) نبودند؛ ولی از قبیله بنی امیه به شمار میرفتند. مؤسس حکومت این خاندان مروان بن حکم بود. بعد از وفات ناگهانی مروان، پسرش عبد الملك بر تخت نشست. در این ایام، عقبه بن نافع (فاتح افریقای شمالی) در نتیجه شورشهای بربرها * در شهر قیروان افریقا همراه با عساکرش به شهادت رسیده بود. همزمان با شهادت او مسلمانها نیز ضعیف شدند.

* اهالی بومی افریقای شمالی که اکنون مردمان، تونس، مراکش، الجزایر و غیره هستند بربرها نامیده میشدند. آنها از نژاد سامی (سفید پوست) بوده اند.

از بین بردن قیامها:

در زمان عبدالملك بن مروان سپاه اسلام یکبار دیگر بربریه‌ها و رومی‌ها را شکست دادند، تونس و المغرب را دوباره تصرف نمودند. در این وقت در اثر غفلت زبیر که فرمانده لشکر اسلام بود، رومی‌ها موفق شدند تا او را با لشکرش از بین ببرند و ممالك تحت تسلط مسلمانها را تصرف نمایند. بارسیدن عساکر تازه نفس، مسلمانها توانستند، رومی‌ها و بربریه‌ها را دوباره مغلوب سازند. متعاقباً عبدالملك يك تعداد عساکر دیگر را نیز جهت فرونشاندن اغتشاش بربریه‌ها به آن سرزمین اعزام نمود. در نتیجه، دین مقدس اسلام بین بربریه‌ها پخش گردید.

در خراسان حجاج، عبدالرحمن بن اشعث را برای فتح کابل تعیین نمود؛ زیرا پادشاه کابل (رتبیل) که پرداخت باج را قبول کرده بود، به عهد خود وفا

نکرد و از باج دادن انکار ورزید. لشکر اسلام را در دره های صعب العبور با تلفات سنگین مواجه ساخت. عبدالرحمن بن اشعث اصرار میورزید که به تدریج به پیش برویم تا در مناطق متصرفه، نظم و دسپلین به میان آید؛ ولی حجاج بن یوسف مخالفت میکرد. به همین علت عبدالرحمن اعلان استقلال نمود. اگرچه درچندین جنگ که با حجاج انجام داد، موفقیت کسب نمود؛ اما بالاخره شکست خورد و به طرف بست رفت. عیاض او را در بست دستگیر و به رتبیل شاه سپرد. در اثر تقاضای حجاج، رتبیل میخواست تا او را به حجاج بسپارد؛ ولی در طول راه خود کشی کرد.

نگاهی به حکومت عبدالملك:

عبدالملك اولین سلطان مسلمان است که به نام خود سکه ضرب زد. قبل از آن مردم در دادوستد از سکه های شرقی و ساسانی استفاده به عمل می آوردند. در دوره او زبان عربی در دفاتر و امور رسمی در بین مردم رواج یافت. در سالهای (۷۶-۹۶ هـ) نفوذ اسلام تا سرزمین کاشغر رسید، در همین وقت لشکر اسلام به سر کرده گی بن قاسم بر سند حمله کرد و تا ملتان پیشرفت نمود.

عبدالملك بن مروان در سال (۸۶ هـ) چشم از جهان پوشید.

ولید بن عبدالملك:

بعد از وفات عبدالملك فرزندش ولید زمام امور را به دست گرفت. دوران سلطنت ولید در امنیت و آرامی

گذشت. اغتشاشات داخلی خاموش و مردم عراق مطیع گردیدند. از همین جهت بود که او توجه بیشتر خویش را به فتوحات در خارج از کشور مبذول داشت.

فتوحات زمان ولید:

در زمان سلطنت ولید ترکستان، چین، هسپانیه، سند و بعضی کشورهای دیگر فتح گردیدند و سرحدات تمدن اسلامی از چین الی اروپای مرکزی توسعه یافت. این فتوحات و پیروزیها را سپه سالار دلیر اسلام مانند قتیبہ بن مسلم، موسیٰ بن نصیر، طارق بن زیاد، محمد بن قاسم و مسلمہ بن عبدالملک به دست آوردند.

(رض) به اسلام مشرف گردید و به این وسیله از کشتن نجات یافت. بعد از اینکه ابوسفیان مسلمان شد، طبق ارشاد حضرت محمد مصطفی (ص) خانه او به نام خانه امن مسمی گردید و اعلام شد که اگر هر يك از ساکنین مکه در خانه کعبه داخل شود و یا به خانه ابوسفیان پناه ببرد، امان خواهد یافت. همچنین حضرت معاویه (رض) برای مدتی به حیث کاتب وحی تعیین گردید.

حضرت امیر معاویه (رض)

۴۱ هـ ش - ۵۹ هـ ش

امیر معاویه (رض) به خاندان امیه تعلق داشت، او از جمله صحابه آن حضرت (ص) بود و در زمان خلیفه سوم، حضرت عثمان (رض)، به حیث والی شام انجام وظیفه مینمود. بعد از شهادت حضرت عثمان (رض) با حضرت علی (عمره الله وجهه) مخالفت کرد؛ اما حضرت

وضع در ماوراء النهر:

در وقت عبدالملك شخصی به نام مهلب به حیث والی خراسان مقرر شد، بعد از وفات او فرزندش یزید والی خراسان تعیین گردید. در این هنگام مردم خراسان اغتشاش کردند، چون حجاج از این واقعه اطلاع یافت یزید را معزول و عوض او قتیبه بن مسلم را به حیث والی خراسان مقرر نمود.

قتیبه شخص شجاع، مدبر و يك جنرال مجرب بود. نخست، سرداران سرکش را سرکوب نمود و بعداً بالای ترکستان حمله برد*.

ترکستان را در آن زمان ماورالنهر مینامیدند. سرداران آن سرزمین اطاعت قتیبه را قبول کردند. قتیبه شهرهای کاشان و فرغانه را با بعضی مناطق

* معلم صاحب درباره ترکستان و ماورالنهر به شاگردان معلومات

دیگر فتح نموده به بخارا رسید و آن را محاصره نمود. بعد از چند روز يك لشکر متحد ترکها و سفدیها به کمک بخاراییها شتافت و محاصره را درهم شکست. به این ترتیب مسلمانها از دوجناح تحت ضربات دشمن قرار گرفتند، نخست شکست خوردند؛ اما بعداً موفقیت نصیب شان گردید.

بعد از فتح بخارا قتیبه متوجه سمرقند شد؛ چون سفدیها توان مقاومت را نداشتند، شهر در محاصره مسلمانها درآمد. اهالی سمرقند از شهزاده های همجوار کمک خواستند، زمانی که قتیبه از این موضوع اطلاع یافت آنها را توسط برادر خود صالح سرکوب ساخت. وقتی که سفدیها از این اقدام مدبرانه قتیبه (رح) آگاه شدند، صلح را پیشنهاد کردند، به این ترتیب شهر فتح گردید.

محمد بن قاسم و فتوحات سند:

محمد بن قاسم جوان هفده ساله جهت رهایی آن عده مسلمانهایی که به دست قزاقیها اسیر شده بودند مؤظف گردید. محمد بن قاسم نخستین بار بالای بندرگاه دیبل (نزدیک شهر کراچی امروزه) حمله نمود. مردم این منطقه قادر به جنگ نبودند، لذا در قلعه داخل شدند و مسلمانها قلعه را محاصره کردند. محمد بن قاسم توسط توپهای حصارشکن به جنگ آغاز نمود؛ ولی مردم قلعه همت را از دست ندادند و به مقاومت دلیرانه پرداختند.

این شهر برای یکماه در محاصره مسلمانها قرار داشت؛ اما موفقیت حاصل نشد. بالاخره راپور دادند که این مردم تا وقتی که بیرق بالای قلعه در اهتزاز باشد از مقاومت دست نخواهند کشید. محمد بن قاسم، فرمان از بین بردن بیرق را داد. وقتی که بیرق

هندوها برزمین افتاد، هندوها شکست خوردند و مسلمانها وارد شهر گردیدند.

لشکریان اسلام بعد از تسخیر دیبل، متوجه حیدر آباد شدند؛ اما مردم آن دیار بدون مقاومت صلح نمودند و سران مناطق دیگر نیز با دادن جزیه تسلیم گردیدند.

دراین هنگام راجه داهر، همراه بایک لشکر (۵۰)

هزار نفری خود را به کنار دریای سند رساند.

محمد بن قاسم نیز با سپاه خود به ساحل دریا رسیده و میخواست تا توسط کشتی از دریا عبور نماید. درحالی که تیرباران دشمن مانع عبور او گردید، بالاخره، محمد بن قاسم با استفاده از تاریکی شب دریای سند را عبور نموده و صبح آن روز جنگ را با راجه آغاز نمود. راجه داهر به قتل رسید و با کشته شدن او لشکرش نیز شکست خورد

و به برهمن آباد پناه برد.

محمد بن قاسم آنها را تعقیب کرد و بعد از يك جنگ خونین، برهمن آباد را نیز فتح نمود. سپس مسلمانها به سوی «ارور» متوجه شدند، در آن جا «گویی» پسر راجه داهر برای جنگ آماده گی گرفته بود. «گویی» آوازه یی پخش کرد که راجه کشته نشده بلکه به غرض تهیه سپاه به هند سفر کرده است. بعضی مردم دور و نزدیک این خبر را باور کردند، لذا برای کمک با گویی لشکر بزرگ را تهیه نمودند و در «ارور» متمرکز ساختند. محمد بن قاسم شهر «ارور» را محاصره کرد. مردم شهر که امید برگشت راجه داهر را داشتند سرسختانه مقاومت کردند. وقتیکه مردم ارور توسط نامه یی که خانم راجه داهر نوشته بود از مرگ راجه اطلاع یافتند، از محمد بن قاسم اطاعت کرده و تسلیم شدند.

بعد از فتح ارور، سپاه اسلام دریای چناب را عبور
نموده و به ملتان رسیدند. راجه های ملتان با سپاه
عظیم برای جنگ آماده گی گرفت؛ ولی از رو به رو
شدن با مسلمانها هراس نموده، داخل قلعه گردید.

محمد بن قاسم قلعه را در محاصره کشید و چشمه
آب را نیز متصرف گردید. بالاخره هندوها مجبور
شدند تا بیرون حصار به جنگ پردازند که البته در
نتیجه شکست خوردند. دراین فتح غنائم زیاد از
قبیل طلا و جواهرات به دست سپاه اسلام افتاد.
محمد بن قاسم بعداً به فتح سایر شهرهای پنجاب
آغاز نمود و تا سرحد کشمیر رسید.

دراین زمان ولید وفات یافت و پسرش سلیمان
برتخت سلطنت نشست. سلیمان مانند قتیبه (رح)
محمد بن قاسم را به دربار احضار کرد و به این
ترتیب جلو پیشرفت او را گرفت.

قتل محمد بن قاسم:

سلیمان دشمن شخصی حجاج و متعلقین او بود. او محمد بن قاسم را از امارت سند معزول و عوض یزید ابن ابی کبیثه را مقرر نمود. یزید، محمد بن قاسم را گرفتار و به حاکم جدید عراق که صالح نام داشت فرستاد. از آن جایی که، حجاج برادر صالح را به قتل رسانیده بود، لذا موصوف انتقام برادر خود را از محمد بن قاسم گرفت و نامبرده را بعد از شکنجه های گوناگون به قتل رساند.

موسی بن نصیر و فتوحات اندلس:

ولید بن عبدالملک زمانی که بر تخت نشست، حسان را که والی افریقا بود معزول و موسی بن نصیر را به عوض او مقرر نمود. مردم این دیار وی را بی کفایت خوانده و به شورش دست زدند؛ ولی موسی

بن نصیر با به دست آوردن پیروزیهای پیهم، تمام رومیهای افریقای شمالی را که در آشوبها سهم فعال میگرفتند، از این دیار اخراج و بنابرآن موفق شد تا امنیت را در منطقه برقرار نماید. دراین زمان آثار و نشانه های تمدن در اندلس (هسپانیه) کمتر دیده میشد. کشت و زراعت به غلامان سپرده شده بود و امراء و ثروتمندان از پرداخت هرنوع مالیات معاف بودند.

چون حکومت وقت به دست عیسویها بود؛ لذا با یهودیها رویه زشت میکردند. در اثر همین رفتار زشت عیسویها بود که یهودیهای هسپانیه به جانب افریقای شمالی سرازیر شدند و در مناطق تحت اداره مسلمانها زنده گی اختیار نمودند.

موسی^۱ بن نصیر، ظریف غلام خود را با (۴۰۰)

نفر به هسپانیه فرستاد تا اوضاع و حالات آن منطقه

را از نزدیک مطالعه نماید. ظریف حین بازگشت اطلاع داد که وضع و شرایط به کلی مساعد میباشد.

ورود طارق بن زیاد در اندلس:

موسی' مشهورترین جنرال خود، طارق بن زیاد را به سرکرده گی (۷) هزار نفر سپاه، متشکل از بربرها به سوی اندلس فرستاد. وی آبنا را عبور و در نزدیکی ساحل هسپانیه در جوار کوهی پیاده شد. والی جبل الطارق در مقابل مسلمانها به جنگ پرداخت؛ ولی مغلوب گردید. بعد از این واقعه، شاه هسپانیه با يك صدهزار قشون به مقابله مسلمانها برآمد. طارق از موسی' كمك خواست، او در حدود (۵) هزار عسکر دیگر را نیز به كمك طارق فرستاد. هردو لشکر در منطقه «لاگوخنده» صف بستند.

طارق تمام کشتیهای خود را به آتش کشید تا

مسلمانها فکر گریز را از مغز خود دور کنند، موصوف
مسلمانها را مخاطب قرار داده، گفت:

«اما بعد: ای مردم! امیدی برای گریز از صحنه
جنگ برای شما باقی نمانده است. در مقابل دشمن
و در عقب ما بحر قرار دارد، به خداوند (ج) سوگند
یادمیکنم که تنها استقرار و ثبات میتواند ما را نجات
بخشد. این همان لشکر فاتح است که هیچگاه مغلوب
نخواهد شد؛ زیرا در صورتی که این (ثبات و
استقرار) موجود باشد قلت افراد مهم نخواهد بود
لشکر ترسو، تنبل، نامرد، بی اتفاق و مغرور حتی
اگر بی حساب هم باشد، هیچگونه موفقیت را نصیب
نخواهد شد. ای مردم! ازمن پیروی کنید، اگر حمله
کردم شما نیز حمله ور شوید. هر وقتیکه از یورش
باز می ایستم شما نیز حمله نکنید. هنگام جنگ باهم
یکجان و یکتن شوید. اگر شهید شدم اندوهگین

علی (عمره الله وجهه) با معاویه (رض) صلح نمود.

به اساس همین صلح شام، مصر و اراضی غربی تحت تسلط حکومت امیر معاویه (رض) قرار گرفت. حالانکه، سرزمینهای عراق، ایران و مناطق شرقی در تصرف حضرت علی (عمره الله وجهه) باقیماند. هنگامی که امام حسن (رض) خلیفه شد، امیر معاویه (رض) بالای عراق حمله کرد.

چون امام حسن (رض) شخص امن پسند و صلح خواه بود و نمیخواست که در بین امت محمدی (ص) جنگ و خونریزی صورت گیرد، لذا از خلافت دست کشید و امیر معاویه (رض) در سال (۴۱ هـ) زمام امور مملکت اسلامی را به دست گرفت.

امیر معاویه (رض) یزید پسر خود را ولیعهد انتخاب کرد و به این صورت حکومت را حق موروثی بنی امیه خواند.

مباشید. از بی اتفاقی پرهیزید؛ زیرا در این صورت دشمن بر شما غلبه یافته و شما را به شهادت خواهند رساند. به قبول ذلت راضی نشوید و خود را به دشمن تسلیم نکنید. برای شما در مقابل تکالیف و زحمات که متحمل میشوید در دنیا عزت و شرف و در آخرت اجر عظیم تعیین گردیده است، پس راه خداوند (ج) را انتخاب نمایید. اگر با وجود پناه، حمایت و نصرت خداوند (ج) ذلت را پذیرفتید، به بدبختی و مصیبت بزرگ رو به رو میشوید و در این صورت، سایر مسلمانها نیز بر شما نفرین خواهند گفت. قسمی که من حمله میکنم شما نیز همانگونه بالای دشمن حمله کنید.»

وقتی که جنگ آغاز یافت شاه هسپانیه شکست خورد و در آب غرق گردید. این فتح بزرگ به مسلمانها نیرو بخشید. چون روحیه هسپانویها ضعیف شد،

بعد از آن جرأت نکردند تا با مسلمانها مقابله نمایند.

موسیٰ حین فرستادن فوج جهت کمک به طارق چنین هدایت داده بود که تا آمدن او به کدام حمله تهاجمی و وسیع اقدام نکند؛ ولی طارق این حکم او را نادیده گرفت و قشون خود را به چهار بخش تقسیم کرده در چهار جهت مختلف سوق داد.

يك قسمت را به طرف غرناطه، بخش دوم را به سوی قرطبه و قسمت سوم را به سوی مالقه فرستاد. خودش با بخش چارم به طرف پایتخت طلیطله حرکت کرد و در نتیجه در هرچار سمت موفقیت و پیروزی نصیب مسلمانها گردید.

دراین هنگام موسیٰ بن نصیر نیز با (۱۸) هزار نفر در سواحل اندلس پیاده شد و بعد از اندك مقابله شهرهای آشبیل و ماردة را فتح نمود. بعداً عساکر متحد موسیٰ و طارق مناطق باقیمانده اندلس را نیز

فتح کردند. موسی^۱ که طرح فتح سرتاسری اروپا را ریخته بود، وارد مرز فرانسه گردید؛ ولی خلیفه ولید برایش اجازه نداد و نامبرده را به افریقا خواست. موصوف قبل از بازگشت، قرطبه را پایتخت اندلس قرار داده و پسر خود عبدالعزیز را به حیث حاکم آن جا مقرر کرد. وقتی موسی بن نصیر به دمشق رسید ولید وفات یافته بود.

سلیمان پسر ولید موسی بن نصیر را اول محبوس ساخت، بعداً به اساس سفارش یکی از سرداران با پرداخت چند صدهزار درهم از حبس رها نمود. موسی از پرداخت این رقم بدرآمده نتوانست، بنابراین ایام بعدی عمرش را با مشکلات و دشواریها سپری نمود.

جنگهای مسلم بن عبدالملك با رومیها

چون قیصر روم از جمله بزرگترین دشمنان اسلام بود؛ لذا ولید، مسلم را جهت مقابله با رومیها مؤظف نمود.

البته قبل از او نیز جنگهای متعددی بین مسلمانها و رومیها رخ داده بود که در نتیجه آن، طوانه، عموانه، مرقله، قمونیه، مسطیه، سوطوس و غیره را به دست آورده بودند.

زمان حکومت ولید از هرحیث يك دوره درخشان برای مسلمانها بود. به جز واقعه یکتن تابعی مشهور به نام سعید بن جبیر (رض) که البته به دست حجاج بن یوسف به شهادت رسید، کدام معضله دیگر رخ نداده بود. سعید بن جبیر (رض) از جمله مسلمانان واقعی و يك شخص بسیار شجاع بود؛ زیرا وقتی از

طرف حجاج بن یوسف به مرگ تهدید گردید،
حجاج چنین فرمود: «اگر میدانستم که مرگ و
زنده گی من به دست توست، ترا پرستش میکردم؛
ولی حیات و ممات من به دست خداوند (ج) است.»
به صورت عمومی در دوران حکومت ولید، فابریکه
های کشتی سازی، شاهراهها، انهار، چاهها، مسافرخانه
ها، یتیم خانه ها، ادارات تعلیم و تربیه تأسیس
گردید و درساحات علم و دانش توجه خاص مبذول
شد.

بعد از وفات ولید سلیمان پادشاه شد. او فرماندهان
و جنرالان مشهور مانند، قتیبه فاتح ترکستان، محمد
بن قاسم فاتح سند و موسی بن نصیر را اولاً خوارو
ذلیل ساخت و بعداً به شهادت رسانید.

تمرین

۱- درباره زنده گی عبدالله بن زبیر (رض) معلومات ارائه نمایند.

۲- در مورد حکومت عبدالملك بن مروان توضیحات مختصر بدهید.

۳- در زمان حکومت ولید در ابتدا کدام مناطق توسط کدام جنرالها فتح گردید؟

۴- در باره فتوحات مسلمانها در اسپانیا (اندلس) معلومات دهید.

۵- در نقشه اروپا شهرهای مهم اندلس (هسپانیا) را نشان دهید.

۶- جنرالها و فاتحان مشهور عصر امویها تا دوره سلیمان را نام بگیرید.

حضرت عمر بن عبدالعزیز (رح)

۹۹-۱۰۱ هـ ش

پدر حضرت عمر بن عبدالعزیز که والی مصر بود، در تربیه فرزندش توجه خاصی را مبذول داشت، از همین جهت بود که حضرت عمر بن عبدالعزیز يك عالم بزرگ بار آمد و قرآن کریم را در خورده سالی حفظ نمود.

عمر بن عبدالعزیز، در زمان خلافت ولید بن عبدالملك به صفت والی مدینه مقرر گردید. نخست از همه به تأسیس يك مجلس شورا پرداخت که تمام مسایل مربوط به شهر را توسط آن حل مینمود. مسجد نبوی را مجدداً اعمار نمود و سرکها، انهار و حوضها را تعمیر کرد. به سبب همین اصلاحات بود که يك تعداد زیاد مردم برای نجات از ظلم و

استعداد حجاج بن یوسف از عراق به حجاز هجرت کردند. حجاج در مقابل این کارهای عمر(رح) کینه گرفت و ولید را مجبور ساخت تا او را از وظیفه ولایت سبکدوش نماید. بالاخره بعد از مدت شش سال از عهده ولایت برطرف گردید.

علاوه برآن، وقتی که ولید میخواست به عوض برادرش خود را به حیث ولیعهد انتخاب نماید، عمر بن عبدالعزیز با آن مخالفت کرد. بنابراین، ولید او را به سه سال حبس محکوم ساخت. بعداً سلیمان بن عبدالملك قبل از وفات خود، عمر بن عبدالعزیز را به حیث خلیفه نامزد نمود. درحالی که عمر بن عبدالعزیز بعد از وفات سلیمان به مسجد آمد و به مردم خطاب کرد: «ای مردم! من بدون رأی شما بالای تان مسلط شده ام، چون من نمیتوانم که از عهده این بارسنگین و مسؤولیت عظیم برآیم؛ لذا شما

از بیعت من آزاد هستید، قسمیکه خواسته باشید
برای تان خلیفه انتخاب نمایید.

مردم همه به يك آواز گفتند: «به نظر ما به جز
شما کسی دیگری مستحق نیست و با انتخاب شما
ما موافق هستیم.» عمر بن عبدالعزیز به اثر اصرار
زیاد مردم، خلافت را قبول کرده و گفت:

«آنچه از جانب خداوند (ج) حلال مقرر شده است
الی روز قیامت حلال و آنچه را حرام گفته است تا به
روز آخر حرام خواهد بود. من مسؤولیت دارم که
احکام خداوند (ج) را نافذ نمایم تا آن زمانیکه من
پیرو احکام الهی بودم مرا اطاعت کنید و هرگاه در
کدام معامله اصول قرآنی را نا دیده گرفتم، پس شما
نیز از من اطاعت نکنید، من از شما بهتر نیستم.
فقط مسؤولیت من نزد خداوند (ج) نسبت به شما
سنگینتر است.»

وقتیکه عمر بن عبدالعزیز به حیث خلیفه انتخاب شد، عدالت و انصاف او، دوره خلفای راشدین را یکبار دیگر زنده نمود. اکثر مسلمانهای جهان، زمان عمر بن عبدالعزیز را از دوره خلفای راشدین می‌شمارند.

اصلاحات: اموال و املاکی را که در دوره امویها به زور ظلم از مردم تصرف شده بود به مالکان آن تسلیم نمود. این اصلاحات را بار اول از خانواده خود آغاز نمود، پسر جوان خویش عبدالملک را خواسته و گفت: «میخواهم آن زمینهایی را که پدران ما از اشخاص غریب غصب کرده است به مالکان آن بدهم، خودت دراین باره چه نظر داری؟ پسرش در پاسخ گفت: خیل نظر نیک است، بهتر است که به مردم اعلان نماییم.

فتوحات امیر معاویه (رض):

امیر معاویه (رض) يك سپه سالار تجربه کار بود، او در زمان حضرت عثمان (رض) يك تعداد کشتیهای جنگی ساخته بود که با استفاده از این کشتیها چندین مرتبه رومیها را به شکست مواجه ساخت. در زمان امیر معاویه (رض) مسلمانها سرزمینهای زیادی را فتح کردند. برعلاوه افریقای شمالی که به دست مسلمانها افتید، به طرف شرق تمام ایران و يك قسمت افغانستان به تصرف مسلمانها درآمد.

همچنین، يك عده مناطق کشورهای دیگر را نیز مسلمانها فتح کردند که شرح آن قرار ذیل است:

حملات بالای سرحدات هند:

روابط تجارتی بین اعراب و قبایل هند از قدیم وجود داشت، بعد از ظهور دین مقدس اسلام نیز

حضرت عمر بن عبدالعزیز فرمود: «اگر به نظرم موافق هستی، به روز جمعه آینده آن را اعلان خواهم کرد.»

پسرش گفت: یا امیرالمؤمنین! آیا باور دارید که تا روز جمعه حیات خواهید داشت؟ به زنده گی این جهان متکی نباشید و در انجام کارنیک تأخیر نکنید. حضرت عمر بن عبدالعزیز از این نظر پسرش خیلی خوشحال شد و فوراً این اعلان را صادر کرد: ای مردم! بیایید مال و زمین خود را که پدران و نیاکان ما به زور از شما اخذ نموده بودند از من بگیرید.

عده بی از مردم خیراندیش به عمر بن عبدالعزیز (رح) گفتند! اگر تمام این مال و ثروت را به مالکان بدهید، اولاد شما چطور خواهد شد؟ وی گفت: آنها را به خداوند (ج) میسپارم.

خاندان بنی امیه با این اصلاحات مخالفت کردند؛ ولی عمر بن عبدالعزیز به آنها چنین گفت: «به خداوند (ج) سوگند یاد میکنم که اگر اموال مردم را مسترد نکنید، شما را خوار و ذلیل خواهم کرد.» همان بود که سلسله مسترد کردن اموال و املاک غصب شده آغاز یافت.

خلیفه حتی زیورات خانم خود را نیز به بیت المال سپرد. همچنین، به تمام ولایات احکام صادر نمود تا همه اموال غصب شده را به مالکان آن مسترد نمایند.

محاسبه با مأمورین:

در زمان عمر بن عبدالعزیز با مأمورین محاسبه صورت میگرفت. از همه اولتر یزید بن مهلب والی خراسان از عهده اش سبکدوش و تحت محاسبه قرار گرفت. خلیفه به او گفت: «من نامه شما را که به

سلیمان نوشته و در آن وانمود شده که دو کرور روپیه
را از مردم خراسان جمع آوری نموده اید به دست
دارم، میخواهم آن رقم را حاضر کنید.

یزید گفت: من این مطلب را تنها به خاطر کسب
شهرت نوشته بودم؛ زیرا باور داشتم که سلیمان این
رقم را مطالبه نخواهد کرد.

حضرت عمر بن عبدالعزیز فرمودند: «این مال
مسلمانها است باید حتماً آن را بپردازید.»

یزید گفت: مرا دوباره به خراسان بفرستید تا آن
را از مردم اخذ نموده و به شما بسپارم.

عمر بن عبدالعزیز فرمود: يك مرتبه جمع کرده بی
حالا میخواهی دو باره حصول نمایی! خلیفه، یزید را
محبوس نموده و شخص دیگری را در خراسان مقرر
نمود. اشخاصی را که حجاج بن یوسف مقرر کرده
بود از وظیفه معزول نموده و خانواده حجاج را به

یمن تبعید کرد. به همه مسؤولین ولایات هدایت داد
تا جزا را مطابق احکام شریعت تعیین نمایند.

والی خراسان در پاسخ نوشت: «ساکنین این
سرزمین خیلی شریر اند؛ لذا بدون شمشیر و دُرّه
چیزی دیگری نمیتواند آنها را اصلاح نماید.»

عمر بن عبدالعزیز به جوابش چنین نوشت: «این
جا نیز عدالت و انصاف نسبت به دُرّه و شمشیر خیلی
مفید ثابت خواهد شد. اگر با مردم از عدل و
انصاف کار بگیرید، همه شان مطیع خواهند شد.»

این هم قابل تعجب است که فرقه خوارج با وجود
دشمنی دیرینه یی که با بنی امیه داشتند، خلافت
عمر بن عبدالعزیز را قبول کردند و از شورشها دست
کشیدند. خلیفه با ذمیها نیز چنین نرمی و شفقت
مینمود که نظیر آن به جز زمان حضرت عمر فاروق
(رض) دیده نشده بود. خون ذمی را با مسلمان

یکسان میدانست. اگر مسلمان بالای ذمی تجاوز میکرد جزای سنگین میدید.

به تمام مسؤولین هدایت داده بود که در هنگام اخذ جزیه شدت و سختگیری نکنند. برای ذمیهای ضعیف و محتاج از بیت المال يك مقدار پول تخصیص داده شده بود. بعضی عبادتخانه های عیسویها و یهودیها را که حکومت قبلی تصرف کرده بودند، برای آنها مسترد نمود.

خلفای بنی امیه بالای منبر، حضرت علی (عمره الله وجهه) را بد میگفتند و طرفداران حضرت علی (عمره الله وجهه) را خیلی شکنجه میکردند؛ ولی حضرت عمر بن عبدالعزیز همه این اعمال را محکوم و ممنوع قرارداد. در مورد بیت المال نیز اصلاحات زیادی را انجام داد. در بهبود و توسعه تعلیم نیز سعی بلیغ ورزید. به همه حکام خویش هدایت فرمود که مساجد را به

مراکز علوم دینی مبدل سازند و به علمای دین از خزانه دولت معاش پرداخته شود. در جمع آوری احادیث نبوی (ص) سعی نمود و بعضی کتب طب را از زبان یونانی به عربی ترجمه کرد. خلاصه این که در ساحة علم و تعلیم توجه زیاد داشت. در زمان حضرت عمر بن عبدالعزیز، قسمت اعظم جنوب فرانسه نیز به دست مسلمانها فتح گردید.

وفات و سیرت حضرت عمر بن عبدالعزیز (رح):

در نتیجه اصلاحات متعددی که عمر بن عبدالعزیز در ساحات مختلف انجام داد، تمام امرای اموی با او مخالفت کردند. آنها هراس داشتند که اگر این وضع ادامه یابد، بالاخره حکومت از خاندان اموی انتقال خواهد شد. بنابراین، دست به دسیسه زدند. در نتیجه آن، عمر بن عبدالعزیز توسط غلامش با

خوردن غذای زهر آلود در سال (۱۰۱ هـ) بعد از دو سال و دو ماه خلافت به عمر (۲۹) ساله گی از دنیای فانی رحلت نمود. او با خلفای راشدین سیرت مشابه داشت. از سلطنت، جاه و جلال متنفر بود. لباس نخی میپوشید، از بیت المال روزانه دو درهم اخذ مینمود که مصرف همان روز را پوره نمیکرد. تربیت یتیمها و اعاشه به مردم گرسنه را بالای خود فرض نموده بود.

در دوران خلافت وی، زمانی نیز فرا رسید که مردم حتی جهت ادای صدقه و خیرات، فقراً و مساکین را سراغ کرده نمیتوانستند.

زمان خلافت عمر بن عبدالعزیز از جمله دوره های طلایی تاریخ اسلام است. بعد از انتخاب خلافت، سواری شاهانه برایش پیشکش گردید؛ ولی وی آن را رد کرد و فرمود: «همان قاطر خودم برایم کافیست.»

هنگامی که پرداخت بیت المال را به خانواده خود
 ممنوع ساخت، عینیه بن سفد نزد او آمد و گفت: ای
 امیرالمؤمنین! ما بالایت حق داریم، او در پاسخ
 فرمود: «حق شما در مال شخصی من اگر داشته باشم
 ثابت شده میتواند، درحالی که من آنقدر مال ندارم
 که شما نیز در آن سهم شوید.» البته شما بیش
 ازاین در بیت المال حق ندارید. دراین مورد شما
 ویک مسلمان عادی باهم برابر هستید. به خداوند (ج)
 سوگند یاد میکنم اگر تمام جهان با شما هم نظر
 شود، بالای آنها نیز عذاب خدا (ج) نازل خواهد شد.
 میگویند زمانی از بیت المال یمن یک درهم مفقود
 گردیده بود، عمر بن عبدالعزیز به مسئول خزانه آن
 جا چنین نوشت: «من به امانتداری خودت شك ندارم؛
 اما ترا به جرم غفلت محکوم میدارم؛ زیرا از طرف
 مسلمانها مدعی مال آنها من میباشم، لذا بالایت فرض

است تا بخاطر برانت خویش سوگند یاد کنی.

از مهاجر بن یزید روایت است که برای يك مدت
مسؤل تقسیم صدقات مقرر شده بودم. وضع زنده گی
مردم آنقدر خوب بود که آنانی که سال اول صدقه
دریافت کرده بودند، به سال دوم خود صدقه
میدادند.

روزی یکی از مسلمانهای «حیره» یکتن ذمی را به
قتل رساند. حضرت عمر بن عبدالعزیز با مطلع
شدن این خبر به حاکم «حیره» چنین نوشت: «قاتل
را هرچه زودتر به ورثه مقتول بسپارید، اختیار معاف
و قصاص را آنها دارند.» به اساس همین حکم قاتل
که مسلمان بود به ورثه ذمی سپرده شد و به قتل
رسید.

همچنین ربیعہ بن شعوذی اسپ يك نفر ذمی را به
خاطر بیگار متصرف شده بود. حضرت عمر بن

عبدالعزیز نامبرده را چهل دُرّه زد. زمانی عباس بن ولید یک قطعه زمین یکنفر ذمی را در دست داشت، او این دعا را نزد عمر بن عبدالعزیز تقدیم کرد. بن عبدالعزیز از عباس بن ولید پرسید: «شما در این مورد چه جواب دارید؟» عباس بن ولید گفت: «این زمین را پدرم از پدر او تصرف نموده بود که سندش را به دست دارم.» حضرت عمر بن عبدالعزیز فرمود: «کتاب خدا (ج) نظر به سند ولید مقدم است، زمین را به ذمی مسترد نمایید.»

روزی هشام بن عبدالملک بنابر منازعه یی که بایک تن عیسوی داشت، نزد عمر بن عبدالعزیز حاضر گردید. عمر بن عبدالعزیز هردو را یکجا ایستاده نمود. این عمل بالای هشام بن عبدالملک اثر بد نمود، لذا در مقابل عیسوی الفاظ رکیک استعمال کرد؛ ولی حضرت عمر بن عبدالعزیز او را تهدید

کشتیهای تجارتي تاجران مسلمان به سواحل هند رفت
وآمد میکردند. در زمان امير معاويه (رض) بالای
هند حمله صورت گرفت. درسال (۴۴ هـ) به فرماندهی
مهلَب بن ابی صفره، قشون مسلمانها کابل را فتح و از
طریق درهٔ خیبر وارد نیم قارهٔ هند شدند *.

همچنان دسته دیگری ازافواج اسلام به سرکرده گی
مندر از راه مکران بالای سند حمله نمودند. مهلب و
جانشینان او مانند عبدالله بن عامر قسمت زیاد
مناطق شمال هند را به دست آوردند. دسته های
مختلف سپاه جهت تسخیر سند فرستاده شد در
نتیجه، سرزمینهای بوتان و فیکان (قلات، بلوچستان)
فتح گردید. البته فتح کامل سند در زمان ولید
(رض) صورت گرفت.

نمود. حضرت عمر بن عبدالعزیز به تمام حکام نوشته بود که هنگام نماز همه کارهای دنیوی را کنار بگذارید، آنکه ضایع کننده نماز است در ضیاع سایر وظایف و مسؤولیتهای نیز پیشقدم خواهد بود.

يك شب حضرت عمر بن عبدالعزیز در روشنی چراغ مصروف کارهای حکومتی بود که شخصی نزدش آمد. حضرت عمر (رح) چراغ را خاموش ساخت و با او در تاریکی شب به گفتگو پرداخت. آن شخص علت خاموش کردن چراغ را پرسید. حضرت عمر بن عبدالعزیز (رح) فرمودند:

«این چراغ مال بیت المال است و من با خودت صحبت شخصی دارم، از این سبب چراغ را خاموش کردم؛ زیرا نمیتوانم پول بیت المال را به کار شخصی خود مصرف نمایم.»

باری برای بیت المال سیبهای فراوان آورده شد.

حين تقسيم سيبها به مردم، پسر كوچك عمر بن عبدالعزيز يك سيب را به قصد خوردن برداشت. وقتى نظر عمر بالایش افتید، فوراً سيب را از دهن فرزندش گرفت. طفل گريه كنان نزد مادرش آمد و شكایت كرد. مادرش از بازار سيب خواست و به پسرش داد، وقتى عمر بن عبدالعزيز به خانه آمد خوشبوى سيب را احساس كرد. از خانمش پرسید: آیا سيبهای سرکاری به اینجا رسیده؟ بعد از آنكه خانمش واقعه را بیان كرد، اطمینان او حاصل گردید و فرمود:

«به خداوند(ج) سوگند يادمیكنم كه من سيب گرفتن از دهن فرزندم را طوری احساس كردم كه از قلب خویش سيب را بیرون كشیده باشم؛ اما میترسم تا در روز قیامت به خاطر حق سيب مسلمانها در نزد پروردگار مسؤل نشوم.»

حسن قصاب گفته است: «من در زمان عمر بن عبدالعزیز به چشم خود دیدم که گرگان به همراهی گوسفندان یکجا بودند.» من خیلی تعجب کردم و گفتم: سبحان الله گرگ در میان رمه موجود است و رمه بدون صدمه باقی مانده است.» شبان (چوپان) سخن مرا شنید و گفت: «هرگاه سرسالم باشد، دیگر اعضای وجود نیز صحیح و سالم میباشد و برای بدن زیان رسانده نمیتواند.»

از مالك بن دینار (رح) نیز روایت است: در زمان خلافت عمر بن عبدالعزیز شبانها با تعجب میگفتند: کدام شخص خلیفه مقرر شده است که گرگان بالای رمه های ما تعرض نمیکنند.

موسی بن عین گفته است که: «من در زمان خلافت حضرت عمر بن عبدالعزیز در منطقه کرمان، شبان بودم. گوسفندان و گرگها يك جا میبودند. روزی

ناگهان گرگی بالای گوسفند حمله کرد، با خود گفتم:
گمان می‌رود که امروز آن شخص صالح وفات کرده
است. بعداً آشکار شد که حضرت عمر بن عبدالعزیز
وفات یافته بود.

از عون بن معمر نقل شده که روزی عمر بن
عبدالعزیز (رح) به خانم خود فرمود: فاطمه! «اگر يك
درهم داری برایم بده، می‌خواهم انگور بخرم.» او در
جواب گفت: «من درهم ندارم» و پرسید، آیا
امیرالمؤمنین صلاحیت يك درهم را ندارد که با آن
انگور بخرد؟ عمر بن عبدالعزیز فرمود: «انگور
نخوردن آسانتر از آنست که در روز آخرت در زنجیر
های آتشین دوزخ محصور باشم.

وقتی عمر بن عبدالعزیز (رح) خلیفه شد به خانه
آمد، روی جای نماز نشست و به گیریه شروع کرد.
آنقدر گریست که ریش مبارك شان ترگردید.

خانمش (فاطمه) پرسید: برای چه گیریه میکنید!
عمر بن عبدالعزیز (رح) در پاسخ فرمود: ای فاطمه!
بارگران حفاظت، نجات و آسایش مسلمانها به عهده
من گذاشته شده است. من مسؤولیت دارم که از
احوال تمام مسلمانهای گرسنه، بی لباس، فقیر،
مریض، مظلوم، محبوس، مسافر، ضعیف و بالآخره
همه ستمدیده گان جهان باخبر باشم. اگر در باره
یکی از آنها الله (ج) از من بپرسد و جواب نداشته
باشم چه خواهد شد؟

از عمرو بن مهاجر روایت است که روزی حضرت
عمر بن عبدالعزیز (رح) میل داشت که سیب بخورد،
یکی از اقارب او يك مقدار سیب را به طور هدیه
ارسال کرده بود. عمر بن عبدالعزیز سیب را
توصیف کرد و به غلام خود گفت: هر که این سیب را
فرستاده است برایش مسترد کن، سلامها و تشکرات

ما نیز بگو و همچنان برایش بگویند که هدیه او بسیار عالی بود.

عمرو بن مهاجر میگوید که من برایش گفتم: رسول الله (ص) نیز هدیه را قبول کرده است، عمر بن عبدالعزیز در جواب فرمود: افسوس برتو! هدیه برای آن حضرت (ص) هدیه بود، برای ما رشوت است.

چند تن از خاندان مروان تصمیم گرفتند که باید قلب عمر بن عبدالعزیز را از طریق طنز و مزاح به طرف خود متمایل سازند. وقتی نزد عمر بن عبدالعزیز رفتند و به سخنان خنده آور آغاز نمودند، عمر بن عبدالعزیز (رح) فرمود: آیا شما برای مزاح و خنده به این جا آمده اید؟ شما نمیدانید که با مزاح و خنده بین مردم کینه و فساد برپا میدارید. بهتر است شما در باره قرآن و حدیث با من سخن بگویید، در مورد مطالب آن فکر نمایید و از فواید

آن (قرآن وحدیث) مستفید شوید.

مسلمه بن عبدالملك قبل از وفات عمر بن عبدالعزیز به حضورش چنین فرمود: «یا امیرالمؤمنین! شما همه وقت خود را از مال و دولت محروم نگهداشته اید. لطفاً در این مورد برای من و یا یکی از اعضای فامیل تان وصیت نمایید.» عمر بن عبدالعزیز(رح) فرمود: به خداوند(ج) قسم یاد میکنم که من حق آنها را تلف نکرده ام؛ اما در مالی که حق آنها نبوده آن را هم برای شان نداده ام. اینکه شما میگویید در باره آنها به کسی وصیت کنید، باید بگویم که وصی و ولی من خدا(ج) است. آن خدایی که ولی نیکوکاران است. اگر فرزندانم از خدا(ج) بترسند، الله تعالی (ج) آنها را هدایت خواهد کرد و اگر عصیان کنند مال و دولت من آنها را نجات نمیبخشد.

بعداً فرزندان خود را طلب کرد و گفت: «تنم فدای

شما باد! اگرچه شما را دست خالی گذاشته ام؛ اما خدا(ج) را سپاسگذارم که شما را در وضع و حالت خوب گذاشتم. فرزندانم! حق هیچ عرب و ذمی بالای شما نیست. یکی از این دو راه در اختیار پدرتان بود. نخست اینکه، شما ثروتمند باشید و پدرتان به دوزخ برود و دوم اینکه شما دست خالی باشید لیکن پدرتان به جنت داخل شود.

خداوند(ج) شما را در حفظ و امان خود نگهدارد.“
عمر بن عبدالعزیز بعد از ختم همین سخنان وفات یافت.

(إِنَّا لِلّٰهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ)

یزید ثانی

(۱۰۱-۱۰۵ هـ ش)

بعد از وفات عمر بن عبدالعزیز (رح)، طبق وصیت خلیفه سلیمان، یزید بن عبدالملک بر تخت نشست. نامبرده شخص عیاش بود و در نتیجه عیاشی او، دوره انحطاط آغاز گردید.

نخست از همه، یزید بن مهلب نسبت عناد خانواده گی به اغتشاش دست زد. او همان شخصی است که عمر بن عبدالعزیز او را به خاطر انکار از پرداخت مالیات در خراسان حبس نموده بود. زمانی که عمر بن عبدالعزیز در بستر مرگ افتاد، یزید بن مهلب از بند فرار کرد. حاکم اموی بصره توسط یزید بن مهلب دستگیر و محبوس گردید. بعداً مناطق فارس، اهواز و کرمان را نیز اشغال کرد

ولشكر عظيمى را در مقابل يزید ثانى آماده ساخت.
يزید ثانى برادر خود مسلمة بن عبدالمملك را به مقابله
وى فرستاد و جنگ شديد بين طرفين در عراق به
وقوع پيوست. در نتيجه، يزید بن مهلب و چندتن
از اشخاص برجسته خاندانش در اين جنگ به قتل
رسيدند. اين بغاوت نافرجام يزید بن مهلب نتايج
خيلی خطرناك و وخيم در قبال داشت؛ زیرا آتش
حسد و كينه قبایل عرب در سرتاسر سلطنت اموى
مشتعل گرديد. در مناطق مختلف مانند: افريقا،
هسپانيه، ماوراءالنهر و بعضی جاهای ديگر شورشها و
اغتشاشها آغاز يافت. حكام عوض عدل و انصاف به
ظلم و تجاوز پرداختند.

در نتيجه همین نا رسايیها بود که تحريك سياسی
عباسیها شروع گرديد. بعداً اين تحريك در زمان
هشام بن عبدالمملك به اوج خود رسيد.

فتوحات در ترکستان:

در سال (۵۴ هـ) عبیدالله بن زیاد که جوان غیور و باحوصله بود، به حیث والی خراسان مقرر گردید. او چندین بار بالای ترکستان حمله کرد و بعضی شهرهای آن را فتح نمود. بعد از وفات عبیدالله، جانشین او سعید بن عثمان (رض) نیز روش او را تعقیب کرد. او از جیحون عبور کرد و نقاط مرکزی "سغد" را تحت حملات خود قرار داد. در آن زمان زنی به نام قبق فرمانروای "سغد" بود. قبق میخواست با سعید از در صلح پیش آید؛ ولی مردم آن دیار صلح را نپذیرفته و در صدد مقابله شدند.

وقتی قبق از این حال آگاه شد، صلح را کنار گذاشته همراه با (۱۲۰) هزار لشکریان خود جهت مقابله با مسلمانها آماده گی گرفت. افواج اسلام و کفر در بخارا باهم رو به رو شدند. قبل از این که جنگ

یزید ثانی در سال (۱۰۵ هـ) وفات یافت. قبل
از مرگش، نخست برادر خود هشام بن عبدالملک و
سپس پسرش به این مقام رسید.

تمرین

- ۱- نخستین خطبه عمر بن عبدالعزیز (رح) را بیان کنید؟
- ۲- چرا دوره عمر بن عبدالعزیز (رح) در قطار دوره خلفای راشدین محسوب میشود؟
- ۳- سیرت و کار نامه های عمر بن عبدالعزیز (رح) را به صورت مفصل ارائه نمایید.
- ۴- راجع به دوره حکومت یزید ثانی معلومات مختصر دهید.

هشام بن عبدالملك

(۱۰۲-۱۲۲ هـ ق)

هشام بن عبدالملك شخص نرم مزاج و دانشمند بود. او میخواست کارهای خلاف شریعت را از خلافت مجزا سازد. متأسفانه، قبل از وی بعضی نواقصی در مملکت رونما گردیده بود که مانع تطبیق برنامه های هشام گردید.

در زمان خلافت هشام بن عبدالملك مناطق قفقاز، يك قسمت خاك تركستان و بعضی مناطق جنوبی فرانسه به تصرف مسلمانها درآمد. در دوران هشام بن عبدالملك، مسلمانها دامنه فتوحات شان را تا خاك فرانسه وسعت بخشیدند؛ ولی بعداً مسلمانها از طرف پادشاه فرانسه در نزدیکی (پواتیه) شکست خوردند. آخرین پادشاه این خانواده (مروان حمار) بود که از (۱۲۲-۱۲۷ هـ) زمام امور را در دست داشت.

نگاهی به دوره امویها

۱- انتخاب خلیفه: در زمان خلفای راشدین خلیفه از طرف ملت انتخاب میگردید و خلافت موروثی نبود؛ اما امویها به رضا و رغبت مردم قدرت را به دست نگرفتند، بلکه با تحمیل قوه و زور، سلطنت را متصرف شدند و حکومت را در خاندان خود موروثی قرار دادند.

۲- بیت المال: در دوران خلفای راشدین بیت المال به شکل واقعی آن وجود داشت و خلیفه حق مداخله در بیت المال را نداشت؛ ولی در دوره امویها بیت المال و مالیات دولتی از عواید خصوصی خلیفه به شمار میرفت و حسب دلخواه او، به مصرف میرسید (قسمی که امیر معاویه تمام عایدات مصر را به عمر بن ابی وقاص در بدل خدمتی که در جنگ

صفین انجام داده بود بخشید.)

۲- فتوحات: امرای اموی از جهت فتوحات به

مردم مسلمان جهان خدمت بزرگی را انجام داده اند.

عربستان سعودی، فلسطین، عراق، ایران، يك قسمت

افغانستان، تركستان، سند و يك بخش پنجاب، مصر،

طرابلس، تونس، الجزایر و قسمت اعظم خاك هسپانیا،

از جمله مناطق مفتوحه امویها به شمار میروند.

امویها این مملکت بزرگ را به هفت بخش تقسیم

نمودند و زمام امور هر بخش را به نائب الحکومه

سپرده بودند. نایب الحکومه در امور داخلی خود

مختار؛ اما در سیاست خارجی تابع امر خلیفه بود.

پایتخت خلفای اموی در دمشق قرار داشت و برای

اولین بار آنها سکه ضرب زدند.

۴- عوامل زوال امویها: سلطنت امویها در زمان

مروان حمار سقوط کرد و عوامل سقوط آن این بود

که نخست سلطنت را در خاندان شان موروثی قرار دادند. دوم اینکه، خلاف عمل خلفای راشدین تمام امور را بدون مشوره با مردم، خود سرانه انجام میدادند. در قلوب مردم جا نداشتند و مردم به ایشان به دیده عزت نینگریستند. بعد از واقعه کربلا، نفرت و انزجار مردم نسبت به این خاندان افزوتر گردید. پادشاهان اموی به خاطر اغراض شخصی خویش سپه سالاران و جنرالان ورزیده مانند: طارق، موسی و محمد بن قاسم را که فاتحین هسپانیا، فرانسه و سند بودند بعد از توهین و تحقیر به قتل رسانیدند.

ظلم، تجاوز، بیعزتی، بیحرمتی، عیاشی، اسراف و غارت بیت المال و غیره از عوامل زوال سلسله اموی به حساب میرود. اولین قیام علیه امویها در خراسان به سرکرده گی ابو مسلم خراسانی صورت گرفت.

تمرین

۱- واقعات مهم خلافت هشام بن عبدالملك را شرح دهید.

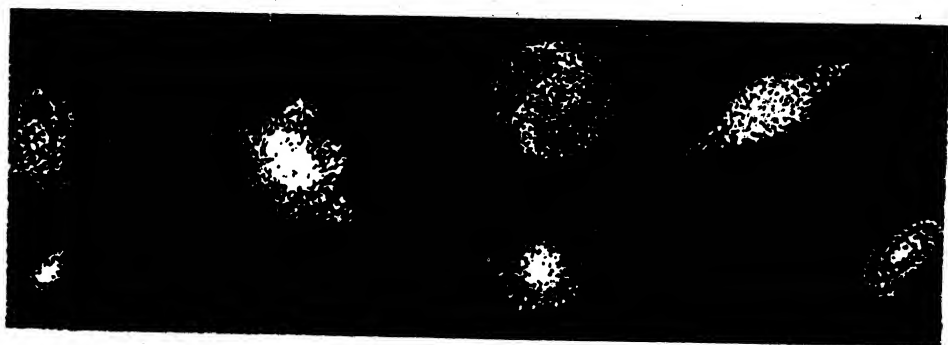
۲- عوامل زوال خاندان اموی را توضیح نمایید.

۳- دوره امویها را با زمان خلفای راشدین مقایسه و نکات ضعف آن را واضح سازید.

فصل اول

کاینات

کاینات به فضای نامحدود و لایتناهی گفته میشود که در آن میلیونها صورتهای فلکی، کهکشانها و نظامهای شمسی واقع شده است. صورتهای فلکی بزرگترین کاینات



گروه ستاره ها و اجرام سماوی است که تعداد زیاد کهکشانها را دربر میگیرد و هر کدام از کهکشانها چندین نظام شمسی را احتوا میکند.

انسانها از ابتدای زنده گی خویش در سطح زمین، به این فکر بودند که کاینات را بشناسند و درباره آن معلومات حاصل کنند، به مطالعه نظامهای شمسی بپردازند و در مورد سیارات و اقمار آن معلومات علمی کسب نمایند. باوجود آن هم تا هنوز انسانها قادر نشده اند که حد و اندازه کاینات را تعیین کنند.

برای این که وسعت و اندازه کاینات را برای خود معلوم سازیم، بهتر است که صورتهای فلکی و کهکشانها را بشناسیم و از روی شناخت آنها کاینات را قیاس کنیم که چقدر وسیع و عظیم است.

صورت فلکی: هرگاه در اثنای شب به آسمان متوجه شویم، تعداد زیادی از ستاره های روشن را با درخشش خاص دیده میتوانیم. این ستاره ها دارای نور ذاتی بوده و هرکدام شان به اندازه آفتاب و حتی بزرگتر از آن جسامت دارند. ستاره های آسمان به

شمول سایر اجرام سماوی به گروپهای خورد و بزرگ
 تقسیم شده اند که هرکدام از گروپهای بزرگ را
 صورتهای فلکی گویند. صورتهای فلکی تعداد
 زیادی از کهکشانها را دربر داشته و بالنوبه
 کهکشانها، نظامهای شمسی متعددی را احتوا میکند.
 کهکشان: برای این که درباره عظمت و بزرگی
 کاینات معلومات حاصل کنیم، باید کهکشانها و نظام
 شمسی را مورد مطالعه قرار دهیم. در کاینات
 میلیونها کهکشان وجود دارند که یکی از آنها به نام
 کهکشان سبحانی یاد میشود. نظام شمسی ما در همین
 کهکشان موقعیت دارد. هرگاه در نقشه کیهانی متوجه
 شویم، نظام شمسی ما در کهکشان سبحانی به اندازه
 يك نقطه كوچك میباشد. اگر روزی از کهکشان
 سبحانی نور طویلاً حرکت نماید بعد از گذشت صد هزار
 سال، نور مذکور به انجام دیگر کهکشان سبحانی

میرسد، درحالی که حرکت نور در عرض کهکشان
 مذکور از يك انجام تا انجام دیگر ده هزار سال را
 دربر میگیرد. با درنظر داشت این خصوصیات
 میتوان درمورد پهنایی و عظمت کهکشانها و کاینات
 حدس زد که کاینات (عالم) و کهکشانها چقدر پهنایی
 و وسعت دارند.

کهکشان



کهکشان گروپ بزرگی از ستاره ها و سایر اجرام
 سماوی را گویند که دارای حدود و ثغور مشخص

آغاز یابد، بین مردم سفد اختلاف بروز کرد که در نتیجه آن يك تعداد اشخاص از صحنه جنگ خارج شدند. در این هنگام ملکه مجبور گردید و پیشنهاد صلح کرد که البته پذیرفته شد. بعد از فتح بخارا سعید (رض) به سوی سمرقند حرکت کرد و آن شهر را محاصره نمود. مردم شهر با تمام قدرت دفاع نمودند و مسلمانها در اثر انداخت تیرهای فراوان دشمن تلفات زیادی را متحمل شدند؛ اما با آن هم همت خویش را از دست ندادند و شهر را در محاصره خود نگهداشتند. بالاخره، مردم شهر به تنگ آمدند و با پرداخت جزیه صلح را قبول کردند.

بعد از تسخیر سمرقند لشکر اسلام به شهر ترمز رسید، چون مردم ترمز درباره همت، غیرت و جوانمردی مسلمانها زیاد شنیده بودند، لذا مقابله را مناسب ندانسته صلح نمودند.

در آسمان میباشند. کهکشانها بر علاوه ستاره ها،
نظامهای شمسی را نیز دربر میگیرند و هرکدام به
نامهای مشخص یاد میشوند. نظام شمسی ما در
کهکشان سحابی (راه شیری) واقع شده است.

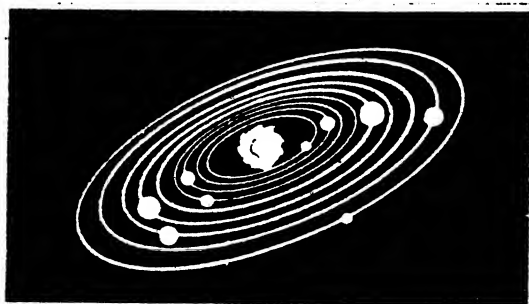
نظام شمسی:

نظام شمسی از آفتاب، سیارات و اقمار تشکیل
گرفته است. نظام شمسی ما هم از این امر مستثنی
نیست. در هر کهکشان هزاران نظام شمسی موجود
است. از این جمله یکی هم نظام شمسی است که ما
به آن رابطه داریم که قرار ذیل معرفی میگردد:

آفتاب: آفتاب آن جسم آسمانی است که جسامت
آن فوق العاده زیاد بوده و دارای نور ذاتی میباشد
که تمام سیارات و اقمار نور و حرارت خود را از آن
که يك ستاره است، میگیرند. نور و حرارتی که از
آفتاب به زمین می آید اساس حیات را در زمین

تشکیل میدهد که بدون آن حیات در زمین ناممکن است.

نوری که از آفتاب به زمین می آید، (۴۹۷) ثانیه را دربر میگیرد. چون سرعت نور درفی ثانیه (۳۰۰٫۰۰۰) کیلومتر است، پس گفته میتوانیم که فاصله متوسط بین آفتاب و زمین (۱۴۹٫۰۰۰٫۰۰۰) کیلومتر میباشد. نظام شمسی



آفتاب در مرکز نظام شمسی موقعیت دارد و تمام سیارات و اقمار مربوط نظام شمسی به دورادور آن حرکت مینمایند.

آفتاب منبع عمده حرارت، نور و قوه جاذبه یا
مقناطیسی محسوب میشود. آفتاب توسط قوه جاذبه
خویش سیارات و اقمار مربوط نظام شمسی را در
مدارهای معین نگهداشته و دورادور آفتاب حرکت
مینمایند.

آفتاب به تمام سیارات و اقمار مربوط نظام شمسی
از میلیاردها سال به این طرف حرارت و نور فراهم
نموده و این پورسه دوام دارد.

سیارات:

سیارات به آن جسم آسمانی گفته میشود که از
خود نور ذاتی نداشته باشند، نور و حرارت خود را
از آفتاب کسب نمایند. سیارات به اساس قوه جاذبه
آفتاب در مدارهای معین نگهداشته شده و به اطراف
آن حرکت مینمایند. نه سیاره در نظام شمسی ما
وجود دارند که قرار ذیل میباشند:

عطارد، زهره، زمین، مریخ، مشتری، زحل،
اورانوس، نپتون و پلوتو.

زمین:

زمین از جمله سیارات نظام شمسی است که شکل آن تقریباً کروی میباشد. در قطبین فرورفته گی و در ناحیه استوا اندکی برآمده گی دارد. این سیاره به دور آفتاب حرکت انتقالی خود را مثل دیگر سیارات انجام میدهد. زمین یگانه سیاره در نظام شمسی است که در آن حیات وجود داشته و تمام موجودات حیه به شمول انسانها به روی آن زنده گی میکنند. زمین سال يك مرتبه در مدار بیضوی به دور آفتاب میچرخد و این دوره را در (۳۶۵) روز و شش ساعت تکمیل میکند که به نام سال یاد میشود. يك سال به چهار فصل تقسیم شده که عبارت از: بهار، تابستان، خزان و زمستان میباشد که در جریان

حرکت انتقالی زمین به دور آفتاب به وجود می آید.
زمین در يك شبانه روز (۲۴) ساعت يك مرتبه به دور
محور خود نیز میچرخد که از آن شب و روز پیدا
میشود که این حرکت را به نام حرکت وضعی یاد
میکنند.

حرکات زمین: زمین دارای دو نوع حرکت
میباشد که به نامهای حرکت وضعی و حرکت انتقالی
یاد میشود.

حرکت وضعی: زمین در مدت (۲۴) ساعت يك
مرتبه از غرب به شرق با سرعت متوسط (۱۶۶۶٫۶)
کیلومتر به دور خود حرکت مینماید که همین حرکت
را به نام حرکت وضعی زمین یاد میکنند. در نتیجه
این حرکت وضعی، آن قسمت نصف کره زمین که به
طرف آفتاب قرار میگیرد روز و نصف دیگر آن که
در جهت مخالف واقع میشود، شب میباشد. همواره

خط فاصل روشنی و تاریکی (خط دایره نوری) در امتداد نصف النهارها یا طول البلد‌ها، از غرب به شرق در حرکت می‌باشد. یعنی هر لحظه در امتداد یکی از نصف النهارها آفتاب در حال طلوع و در امتداد نصف النهار دیگری که از نصف النهار اول (۱۸۰) درجه فاصله دارد در حال غروب می‌باشد. به همین ترتیب، در کلیه نقاط زمین (به استثنای نقاط قطبی) در طول مدت (۲۴) ساعت یک شب و روز به وجود می‌آید.

در اثر حرکت وضعی زمین ساعات شب و روز تغییر می‌کند. مناطق شرقی کره زمین نظر به مناطق غربی آن از مقابل شعاع آفتاب اولتر می‌گذرد، بناءً ساعات مناطق شرقی نظر به مناطق غربی پیشتر است.

حرکت انتقالی: زمین علاوه بر حرکت وضعی حرکت دیگری به دور آفتاب نیز دارد که این حرکت را حرکت انتقالی زمین میگویند. زمین حرکت انتقالی خود را به دور خورشید در مدت (۲۶۵ روز و ۶ ساعت) تکمیل میکند. زمین طول مدار انتقالی خود را با سرعت متوسط (۲۰) کیلومتر در ثانیه طی مینماید.

یکی از نتایج حرکت انتقالی زمین به دور آفتاب به وجود آمدن فصلها یا موسمه‌ای چارگانه سال است که عبارت انداز: بهار، تابستان، خزان و زمستان؛ زیرا اعتدال و انقلاب شمس، زاده حرکت انتقالی زمین بوده و با به وجود آوردن موسمه‌ها در منطقه معتدله، تحولات زیادی را رونما میسازد.

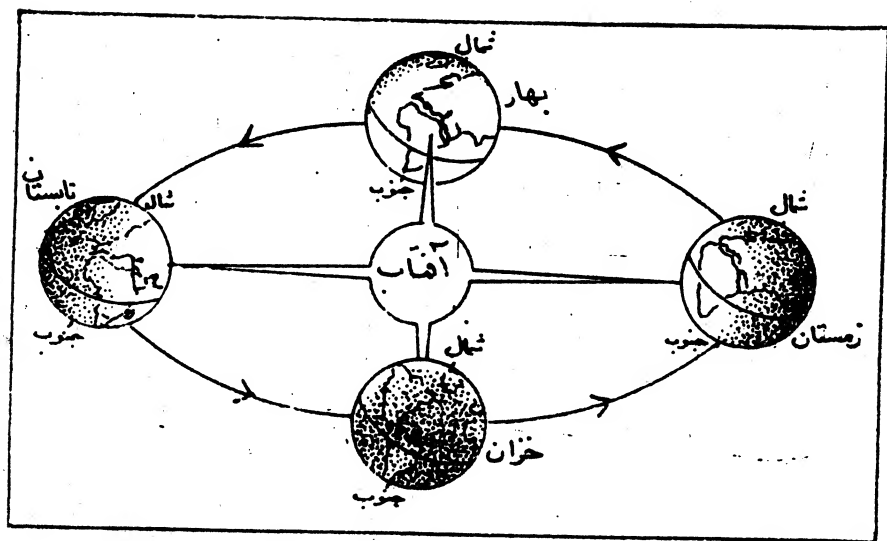
اعتدال: اعتدال برابری شب و روز را گویند که در این حالت آفتاب بالای خط استوا عمود می‌تابد. یعنی در اول برج حمل و اول برج میزان شعاع آفتاب در این موقع از هر دو قطب به صورت مماس گذشته و بالای خط استوا به زاویه (۹۰) درجه قرار می‌گیرد. در زمان اعتدال، ساعات نصف کره شمالی و جنوبی در شب و روز مساوی بوده که دوازده ساعت روز و دوازده ساعت شب می‌باشد.

انقلاب همسی: انقلاب شمسی در دو وقت سال صورت می‌گیرد، یکی در اول سرطان که شعاع آفتاب بالای مدار سرطان ($۲۳\frac{1}{۴}$) درجه شمالی عمود می‌باشد که این حادثه را به نام (انقلاب شمسی تابستانی) یاد میکنند و در نصف کره شمالی تابستان را بار می‌آورد.

دیگری در اول جدی که شعاع آفتاب بالای مدار

جدی ($23\frac{1}{4}$) درجه جنوبی عمود میتابد. این حادثه

حرکت انتقالی زمین



به نام (انقلاب شمسی زمستانی) یاد میشود و در نصف کره شمالی زمستان را بار می آورد.

مهتاب:

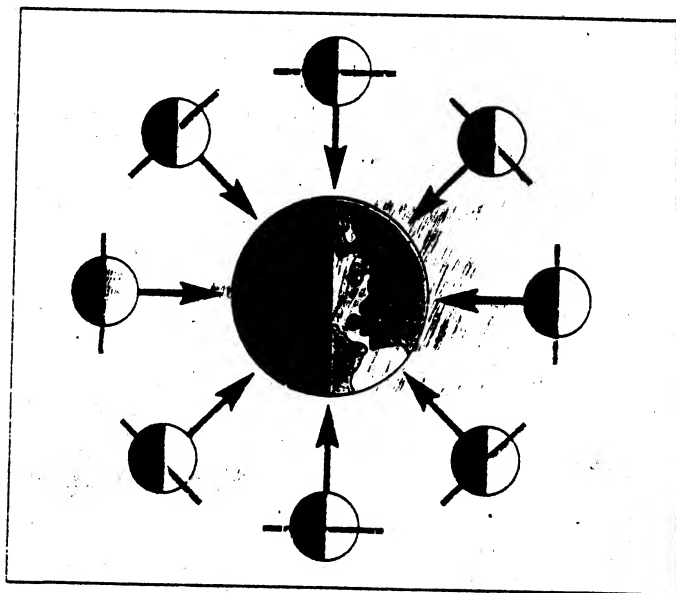
مهتاب قمر زمین است که در ظرف ($29\frac{1}{4}$) روز يك مرتبه به دور زمین میچرخد و به نام ماه قمری یاد

میشود. کله مهتاب (۸۲) مرتبه از زمین کوچکتر میباشد.

چون زمین و مهتاب روشنی خود را از آفتاب

میگیرند، لذا مهتاب نظر به زمین موقعیتهای مختلف

حرکت انتقالی مهتاب به دور زمین



را اختیار مینماید و از همین جهت گاهی به شکل
هلال و گاهی به شکل بدر ظاهر میشود. و قتیکه
زمین، مهتاب و آفتاب در یک خط مستقیم

سیاست و کارنامه های حضرت معاویه (رض):

علمای تاریخ افعال ذیل حضرت معاویه (رض) را

مورد انتقاد قرار داده اند:

۱- اعلان جنگ با حضرت علی (عمره الله وجهه) و ایجاد

بی اتفاقی بین مسلمانها.

۲- گرفتن بیعت برای پسرش یزید؛ زیرا با این

کار نامبرده خلافت را به سلطنت میراثی مبدل نمود.

۳- تصرف بیت المال و بخشیدن آن به اشخاص

دیگر به امر خود که دراین مورد مثال حضرت

عقیل (رض) درهمه تاریخها درج است.

گویند روزی حضرت عقیل بن ابی طالب (رض)

نزد حضرت علی (عمره الله وجهه) آمد و گفت: دراین

روزها، خیلی محتاج هستم، میخواهم چیزی بخواهم

بدهید؛ حضرت علی (عمره الله وجهه) فرمودند: هنگامی که

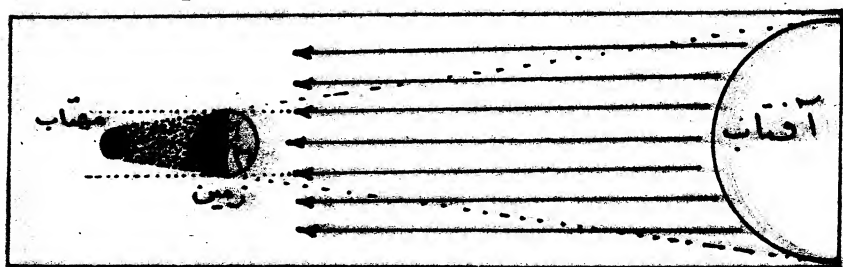
به دیگران کمک مینمودیم برای خودت نیز چیزی

قرار میگیرند، یعنی مهتاب بین زمین و آفتاب واقع میشود، طرف روشن مهتاب را از زمین دیده نمیتوانیم. این زمانی است که مهتاب در حال برآمدن و طلوع میباشد. چون فردا مهتاب موقعیت خود را به اثر حرکت انتقالی تغییر میدهد، بناءً در این هنگام قسمت خیلی کوچک مهتاب به شکل هلال به نظر میرسد. اگر زمین بین آفتاب و مهتاب قرار گیرد، مهتاب کاملاً روشن به نظر میخورد که این حالت را بدر میگویند. ناگفته نباید گذاشت که مهتاب هواندارد و چون مدت حرکت انتقالی و وضعی آن یکسان است، لذا همیشه يك طرف آنرا میتوان دید.

خسوف (مهتاب گرفتگی):

وقتی در جریان حرکت انتقالی، زمین بین آفتاب و مهتاب در یک خط قرار گیرد، سایه زمین بالای مهتاب افتیده و خسوف رخ میدهد.

خسوف

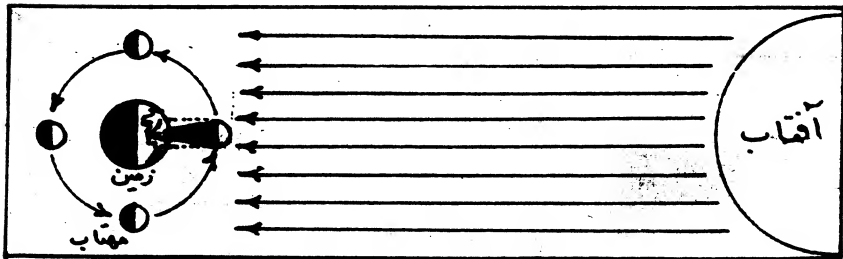


یعنی مردم این مناطق مهتاب را دیده نمیتوانند.
هرگاه خسوف به وقوع برسد، در روزهای (۱۲-۱۴ و ۱۵) ماه صورت میگیرد.

كسوف (آفتاب گرفتگی):

وقتیکه مهتاب بین آفتاب و زمین در یک خط مستقیم قرار گیرد، سایه مهتاب به روی زمین میافتد

كسوف



و حالت كسوف یا آفتاب گرفتگی رخ میدهد. یعنی مردم همان منطقه یی که زیر سایه مهتاب قرار دارند، آفتاب را دیده نمیتوانند.

تمرین

۱- صورتهای فلکی کدام نوع ساختمانهای کیهانی میباشند.

۲- يك سال چند ماه میباشد؟

۳- نظام شمسی ما در کدام کهکشان موقعیت دارد.

۴- يك ماه قمری چندروز را دربر میگیرد.

۵- آیا خسوف و کسوف در هرماه يك بار صورت میگیرد؟

۶- در هنگام کسوف مهتاب در کدام موقعیت قرار میگیرد.

۷- سیاره های نظام شمسی را نام بگیرید.

۸- دور ترین سیاره از آفتاب کدام است؟

۹- نزدیکترین سیاره به آفتاب کدام است؟

۱۰- بدر در کدام وقت به وقوع میرسد؟

فصل دوم

قاره های جهان

کره زمین از سه بخش تشکیل شده است که به نامهای اتموسفیر (هوا)، لیتوسفیر (قشر جامد) و هایدروسفر (آب) یاد میگردند. هر کدام اینها به ذات خود ارزش فراوان دارند.

۱- اتموسفیر:

هوایی که زمین را احاطه نموده است و حیات انسان به آن بسته گی دارد به نام اتموسفیر یاد میشود. تمام تغییرات هوایی در اتموسفیر صورت میگیرد، لکن تغییراتی که در طبقه پایین اتموسفیر صورت میپذیرد، بالای انسان تأثیر فراوان دارد.

هوای يك منطقه ثانيه به ثانيه در حال تغيير است. گاهی هوا بارانی میباشد، زمانی هم باد میوزد و در وقت دیگر آسمان صاف و آفتاب میتابد. لکن اگر در مورد حرارت، رطوبت، بارنده گی، باد و فشار هوا برای چندین سال معلومات حاصل کنیم، اقلیم يك منطقه به دست می آید. در جهان به صورت عمومی سه نوع اقلیم وجود دارد: الف) اقلیم گرم، ب) اقلیم معتدل، ج) اقلیم سرد.

اقلیم گرم: منطقه یی که از آن خط استوا عبور میکند، اقلیم همان منطقه گرم است؛ زیرا که در این گونه مناطق شعاع آفتاب عمود میتابد، هوای آن گرم بوده، بارنده گی زیاد دارد و رطوبت آن نیز زیاد میباشد. این مناطق دارای جنگلهای انبوه میباشد، مانند: حوزه کانگو در افریقا و حوزه آمازون در قاره امریکا. در حوزه کانگو و آمازون جنگلها به اندازه یی

انبوه است که شعاع آفتاب به بیخ درختان رسیده
نمی‌تواند.

اقلیم معتدل: به هر اندازه‌ی که از خط استوا
به طرف شمال و جنوب حرکت نماییم به همان اندازه
درجه حرارت پایین می‌آید؛ زیرا که در این گونه
مناطق میلان زاویه تابش شعاع آفتاب زیاد می‌شود.

منطقه معتدل بین (۲۰ - ۶۰) درجه عرض
البلدهای شمالی و جنوبی موقعیت دارد. این منطقه
اقلیمی مساعدترین اقلیم برای فعالیت انسانها محسوب
میشود و انسانها میتوانند که در تمام فصلهای سال
فعالیت انجام دهند. به همین علت است که اکثریت
تمدنهای جهان در همین مناطق اقلیمی پا به عرصه
وجود گذاشته و انکشاف نموده اند. تمدنهای
باستانی مصر، بین النرین، آریانا، یونان و روم،
تمدن اسلام در قرون وسطی و انکشافات عصر حاضر

اروپا، امریکا و جاپان، به این گفته صحه میگذارد.

اقلیم سرد: به هراندازه بی که از ۶۰ درجه عرض البلد شمالی و جنوبی به طرف شمال و جنوب پیش برویم، هوا سرد میشود؛ زیراکه میلان زاویه تابش شعاع آفتاب زیاد میشود. بنابراین حرارت شعاع آفتاب کمتر میگردد. ازیک طرف دراین نوع مناطق اقلیمی، هوا سرد میشود و سردی هوا در برابر فعالیت انسانها موانع ایجاد مینماید، لهذا این مناطق برای فعالیت انسانها مساعد نمیباشد. علاوه برآن، اگر در قطب شمال برای مدت شش ماه روز باشد، در قطب جنوب شش ماه شب میباشد. برعکس اگر در قطب شمال برای مدت شش ماه شب باشد، در قطب جنوب برای شش ماه روز میباشد. بنابراین این عامل دیگری است که انسان در آن مناطق فعالیت زیاد کرده نمیتواند.

۲- لیتوسفیر:

لیتوسفیر قشر جامد زمین را دربر دارد. تمام زمین (۵۱۰) میلیون کیلومتر مربع مساحت دارد که از آن جمله مساحت خشکه (۱۴۸۶) میلیون کیلومتر مربع میباشد که ۲۹ فیصد مساحت زمین را احتوا کرده است. از آن جمله مساحت قاره آسیا (۴۴۲) میلیون کیلومتر مربع، مساحت قاره آمریکا (۴۲۲) میلیون کیلومتر مربع، مساحت قاره آفریقا (۲۹۸) میلیون کیلومتر مربع، مساحت قاره اروپا (۱۰) میلیون کیلومتر مربع، مساحت انترکتیکا (۱۲۲) میلیون کیلومتر مربع و مساحت اوقیانوسیه (۹) میلیون کیلومتر مربع میباشد. چون اکثریت فعالیتهای انسانها در همین خشکه ها انجام میشود، بنابراین جمعیت بیشتر در آن جا مسکن گزین گردیده اند و برعکس در مناطقی که برای فعالیت انسانها مساعد نیست،

نفوس کمتر در آن جا زنده گی دارند. به صورت عمومی این مناطق به دو دسته تقسیم شده است:

الف: مناطق مساعد: در قاره آسیا، مناطق شرق چین و پنجاب در نیم قاره هند، دارای زمینهای حاصلخیز زراعتی زیادی میباشند، و نفوس بیشتر را به خود جا داده اند. قاره اروپا زمینهای زیاد زراعتی دارد، لهذا تراکم نفوس در این قاره نیز زیاد میباشد. مناطق ساحلی قاره امریکا، افریقا و استرالیا نیز زمینهای زراعتی فراوان دارند، بنابراین تراکم نفوس مناطق ساحلی نسبت به مناطق دیگر بیشتر است.

ب) مناطق نامساعد: ساحات شمالی قاره آسیا، اروپا و امریکا به خاطر سردی زیاد، از جمله مناطق نامساعد میباشند. همچنان حوزه آمازون در قاره امریکا و مناطق جنوبی امریکای جنوبی، برای حیات

خواهیم داد؛ ولی حضرت عقیل (رض) خیلی اصرار ورزید، سپس حضرت علی (عمره الله وجهه) به شخص دیگری گفت: دست او را گرفته به بازار ببرید و برایش بگویید تا قفل دکان را بشکند و از مال آن چیزی نگیرد. حضرت عقیل (رض) با شنیدن این حرف گفت: میخواهید که مرا به جرم دزدی گرفتار نمایند؟ حضرت علی (عمره الله وجهه) فرمودند: آیا تو میخواهی مرا دزد بسازی؟ میخواهی که از بیت المال مسلمانها دزدی کنم و به تو بدهم؟ حضرت عقیل (رض) با دریافت این پاسخ گفت: پس من نزد معاویه (رض) خواهم رفت. حضرت علی (عمره الله وجهه) فرمودند: مختارید. وقتی نزد حضرت معاویه (رض) رفت. موصوف با بخشش يك لك درهم او را نوازش کرد. روزی حضرت معاویه (رض) به حضرت عبدالله بن زبیر (رض) فرمود: این سه شعر را تکمیل نمایید.

- ۱۲- برای معلم صاحب لازم است که حضری شاگردان را بگیرد.
- ۱۳- معلم صاحب باید شاگردان خود را در جریان تدریس ارزیابی نماید.
- ۱۴- برای معلم صاحب لازم است تا در میان شاگردان خود روابط حسنه و برادری را قایم نماید.
- ۱۵- معلم صاحب باید شاگردان خود را بشناسد تا در تدریس مؤثریت به میان آید.
- ۱۶- معلم صاحب باید شاگردان خود را در تدریس سهیم نماید.
- ۱۷- معلم صاحب باید در اثنای درس و بعد از ختم آن به شاگردان حق سوال کردن را بدهد.
- ۱۸- معلم صاحب باید به شاگردان وظیفه، خانه گوی بدهد و آن را ملاحظه و اصلاح نماید.
- ۱۹- معلم صاحب باید با استفاده از مواد محیطی «سنگ ریزه ها» گل، دانه، جواری و غیره عملیات جمع - تفریق - ضرب - و تقسیم را عملاً به شاگردان نشان دهد و هم از مواد درسی از قبیل چارته‌ها، نقشه ها، پوسترها و مواد سمعی و بصری کار گیرد.
- ۲۰- برای معلم صاحب لازم است تا به شاگردان در فضای صمیمیت طوری جواب دهد تا در آینده جرأت سؤال نمودن از شاگردان سلب نگردد.
- ۲۱- معلم صاحب به شاگردان تفهیم نماید که تمرینات این کتاب را به کتابچه های خود نقل و در آن حل نمایند.

ARIC

B

6.421

410

E

242

5

4.1



تعداد چاپ: ۱۰۰
پروژه تعلیمی برای افغانستان
حق چاپ محفوظ است

Implemented By: NAC
Funded By: ODW

طبع: مطبعه اکبر

دولت اسلامی افغانستان
وزارت تعلیم و تربیه
ریاست تالیف و ترجمه

تاریخ و جغرافیه

صنف ششم



SPECIMEN

ACEAR Printing Press
Board Nashir S. No. 1, St. No. 3, House No.
P. 202201, Paktia - Tel. 42727, 42728

مؤلف: الحاج امين الله «فرزانيار»

سال: ۱۳۷۷

وزارت تعلیم و تربیه

ریاست تألیف و ترجمه

اجتماعیات

(تاریخ - جغرافیه)

صنف ششم

جدیدنظره: توسط کمیسیون مشترک وزارت و پروژه تعلیمی برای افغانستان



مقدمه

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در کشور، در تمام نهادهای اجتماعی تغییرات اساسی رونما گردید. همزمان با به میان آمدن این تغییرات و با در نظر داشت نیازمندیهای جامعه افغانی، وزارت تعلیم و تربیه، دولت اسلامی افغانستان بر آن شد تا نصاب تعلیمی کشور را مطابق با پالیسی و اهداف علمی و فرهنگی دولت اسلامی و اساسات دین مقدس اسلام استوار نماید. به همین منظور طرح نصاب تعلیمی جدید ترتیب و بعد از طی مراحل لازمه به منصفه اجرا گذاشته شد.

تطبیق نصاب تعلیمی جدید در مکاتب، این نیازمندی را به بار آورد تا مضامین شامل نصاب تعلیمی از روی مفردات جدید که در بر گیرنده تمام خواسته های ذکر شده باشد، سر از نو تدوین و تألیف گردند. خوشبختانه در طول چهارده سال جهاد، به خاطر آموزش و پرورش سالم اولاد کشور، تعدادی از کتب درسی از طرف مرکز تعلیمی افغانستان خارج از کشور (در پشاور) تدوین و تألیف گردید. این کتب از نقطه نظر حجم و محتوای خود با شرایط و خواسته های آن زمان مطابقت داشت؛ ولی بعد از پیروزی دولت اسلامی افغانستان لازم دیده شد که متن و محتوای این کتب مطابق به نیازمندیهای میبرم جامعه و بر اساس سیستم مرکزی تعلیم و تربیه در افغانستان تحت غور و مذاقه قرار گیرد، تا غنای بیشتری به آن بخشیده شود. روی این منظور، ریاست تألیف و ترجمه، وزارت تعلیم و تربیه موظف گردید تا به همکاری متخصصان و نویسندگان محترم مرکز تعلیمی، کتب موجوده، درسی را از روی مفردات جدیدی که قبلاً توسط طرفین تهیه گردیده بود، تجدید

نظر نموده، تعدیلات و اصلاحات لازم را در آنها وارد نماید. ازینرو کمیسیون مشترکی متشکل از متخصصان، استادان و اعضای علمی ریاست تألیف و ترجمه و مرکز تعلیمی شروع به کار نمود.

اعضای کمیسیون کتب درسی صنف اول الی سوم را از روی مفردات جدید دقیقاً تحدید نظر نموده و با در نظر داشت اساسات دین مقدس اسلام، پالیسی و اهداف فرهنگی دولت اسلامی افغانستان و ارزشهای پسندیده، جامعه افغانی برای آموزش و پرورش اولاد کشور برمبنای معیارها و موازین علمی و فرهنگی، به سطح ملی و بین المللی تعدیلات لازمی را در آنها وارد کردند. مفردات مضامین را سر از نو تحدید نظر و مطابق به خواسته های فوق، متن و محتوای کتب درسی را اصلاح نمودند. کتب درسی صنوف (۴ - ۱۲) نیز توسط مؤلفان مرکز تعلیمی و اعضای دیپارتمنتهای ریاست تألیف و ترجمه مضمون وار طبق همان روش تجدید نظر شده و اصلاحات لازم در آنها وارد گردید.

آرژومندیم این تلاشها، بافهم این که تهیه و تجدید نظر در کتب درسی مکاتب یک پروسهء طولانی بوده و مستلزم اجرای تجارب و آزمایشهای قبل از تطبیق نیز میباشد، آغاز کار باشد و به یاری خداوند عزوجل به اهداف مقدس خویش نایل آییم. امیدواریم نظریات و پیشنهادهای سازنده و کمکهای همه جانبهء علما، شخصیتهای مسلکی، معلمان و سایر علاقه مندان و اهل خبره، ضامن پیروزیهای ما در این کار باشد.

رهنما برای معلم

- ۱- قبل از این که معلم صاحب داخل صنف میشود باید پلان درسی را با خود داشته باشد.
- ۲- پلان درسی باید مطابق ساعت درسی ترتیب و تهیه شود. برای معلم ضروری است که در این مورد دقت نماید.
- ۳- معلم صاحب باید به وقت معین به صنف داخل شود.
- ۴- معلم صاحب باید با لباس پاک داخل صنف شود.
- ۵- برای معلم لازم است تا در وقت داخل شدن به صنف سلام بگوید.
- ۶- در شروع درس جدید معلم باید بسم الله الرحمن الرحيم بگوید.
- ۷- معلم صاحب باید با در نظر داشت مقوله «كَلِّمُوا النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ» تدریس نماید. یعنی تدریس باید به سویه و لسان شاگردان صورت گیرد.
- ۸- معلم صاحب برای تدریس خوبتر فضای مساعد را در صنف آماده سازد.
- ۹- برای اینکه در تدریس مؤثریت پیدا شود برای معلم ضروری است که طرز تدریس خود را یکنواخت نسازد.
- ۱۰- معلم صاحب همیشه خود را به صفت همکار به صنف و شاگردان نشان دهد.
- ۱۱- معلم صاحب باید وظیفه خانه گی شاگردان را ملاحظه نموده و آنها را به اشتباهات و غلطیهای شان متوجه سازد.